



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم

ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

و تألیف کتب درسی

# زبان و ادبیات دری

صنف هفتم



دری صنف هفتم

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن جدا ممنوع است. با متخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.

سال چاپ: ۱۳۹۶ ه. ش

moe.curriculum@gmail.com



## سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی  
هر بچی یې قهرمان دی  
د بلوڅو د ازبکو  
د ترکمنو د تاجکو  
پامیریان، نورستانیان  
هم ایماق، هم پشه پان  
لکه لمر پر شنه آسمان  
لکه زره وي جاویدان  
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی  
کور د سولې کور د تورې  
دا وطن د ټولو کور دی  
د پښتون او هزاره وو  
ورسره عرب، گوجر دي  
براهوي دي، قزلباش دي  
دا هیواد به تل ځلیري  
په سینه کې د آسیا به  
نوم د حق مودی رهبر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم  
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و  
تألیف کتب درسی

# زبان و ادبیات دری

صنف هفتم

سال چاپ: ۱۳۹۶ هـ. ش.



**مؤلفان:** عبدالرزاق کوهستانی عضو علمی دیپارتمنت زبان و ادبیات دری  
وزیر گل صدیقی

**ادیتور علمی و مسلکی:** محمد نسیم فقیری متخصص زبان و ادبیات دری

**ادیتور زبانی:** سید محمود خلیق متخصص زبان و ادبیات دری

### **کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی**

- معاون مؤلف عبدالسلام تائب عضو علمی دیپارتمنت زبان عربی
- دکتور محمد یوسف نیازی
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی.

### **کمیته نظارت:**

- دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم.
- دکتور شیر علی ظریفی مسؤول پروژه انکشاف نصاب تعلیمی.
- سر مؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

**طرح و دیزاین:** حمیدالله غفاری و عبدالرزاق کوهستانی

**تنظیم امور چاپ:** محمد کبیر حقمل رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.

## بسم الله الرحمن الرحيم

### پیام وزیر معارف

سپاس بیکران آفریدگاری را که انسان را در احسن تقویم آفرید و او را قدرت بیان بخشید و به زیور علم و اندیشه آراست و درود بی‌پایان بر پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - که معلم بزرگ انسانیت است و پیام آور رحمت و هدایت و روشنایی.

تعلیم و تربیت نقطه آغاز هر تحول و سنگ بنای توسعه در هر جامعه است. هدف اصلی تعلیم و تربیت به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه انسان و شگوفا کردن استعدادهای درونی وی است.

کتاب درسی یکی از ارکان مهم در فرایند تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که همگام با تحولات و پیشرفت‌های علمی نوین و مطابق با نیازمندی‌های جامعه تهیه و تألیف می‌گردد و باید دارای ظرفیت و ظرافتی باشد که بتواند آموزه‌های دینی و اخلاقی را توأم با فرآورده‌های علوم جدید با میتوده‌های نوین به شاگردان منتقل کند.

کتابی که اکنون در اختیار شما قرار دارد، بر اساس همین ویژه‌گی‌ها تهیه و تألیف شده است. سعی وزارت معارف همواره براین بوده که نصاب تعلیمی و کتب درسی معارف کشور، متکی بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و حفظ هویت ملی، مطابق با معیارهای علمی و روش‌های تربیتی نوین بوده، استعدادهای دانش‌آموزان را در همه زمینه‌های اخلاقی و علمی شگوفا گرداند و قدرت تفکر، ابتکار و حس جستجوگری را در آنها تقویت بخشد. ترویج فرهنگ گفتگو و رواداری، تقویت حس وطن دوستی، مهربانی، گذشت و همبستگی از خواست‌های دیگر وزارت معارف است که باید در کتب درسی متبلور باشد.

کتاب‌های درسی بدون داشتن معلم خوب و مسلکی نمی‌تواند اهداف مورد نظر را بر آورده سازد. معلم یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت و مجری برنامه‌های آموزشی و تربیتی است. از معلمان و آموزگاران خوب، متعهد و دلسوز کشورم که ستیزه با سیاهی و نادانی را پیشه خود ساخته اند، صمیمانه آرزومندم که با تطبیق دقیق و مخلصانه نصاب تعلیمی، کودکان و جوانان میهن را بسوی فتح قله‌های رفیع دانش، اخلاق و معنویت رهنمون گردند.

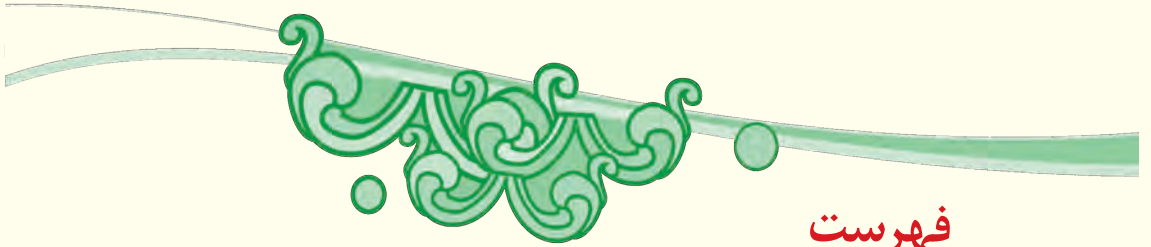
کامیابی نظام آموزشی کشور بدون همکاری جدی مردم غیر ممکن است. ازین رو از همه اقشار و افراد ملت شریف افغانستان، بخصوص از خانواده‌ها و اولیای محترم شاگردان خواهشمندم که از هیچگونه همکاری در جهت تحقق اهداف معارف دریغ نوزند. همچنان از همه نویسنده‌گان، دانشمندان، متخصصان تعلیم و تربیت و اولیای محترم شاگردان تقاضا می‌شود که با ارایه نظریات و پیشنهادات سالم و نقدهای سازنده خود وزارت معارف را در بهبود هر چه بیشتر کتاب‌های درسی همکاری نمایند.

لازم می‌دانم از تمام مؤلفان دانشمند و کارمندان اداری و فنی وزارت معارف که در تهیه، تألیف، طبع و توزیع این کتاب زحمت کشیده اند و از همه نهادهای ملی و بین‌المللی که در زمینه چاپ و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، قدردانی و تشکر نمایم.

در اخیر از خداوند منان استدعا دارم که به لطف بی‌پایان خود، ما را در تحقق آرمان‌های مقدس معارف یاری رساند. إنه سمیع قریب مجیب.

دکتور اسدالله حنیف بلخی

وزیر معارف



## فهرست

صفحه	عنوان	شماره درس
۱	بهترین سرآغاز (حمد)	درس اول
۵	خرد دانا به نور روی او شد (نعت)	درس دوم
۹	امانت و راستکاری	درس سوم
۱۳	بشردوستی	درس چهارم
۱۷	هدیه به مادران	درس پنجم
۲۳	سرزمین من	درس ششم
۲۷	سنایی غزنوی	درس هفتم
۳۳	ملت	درس هشتم
۳۷	نظافت	درس نهم

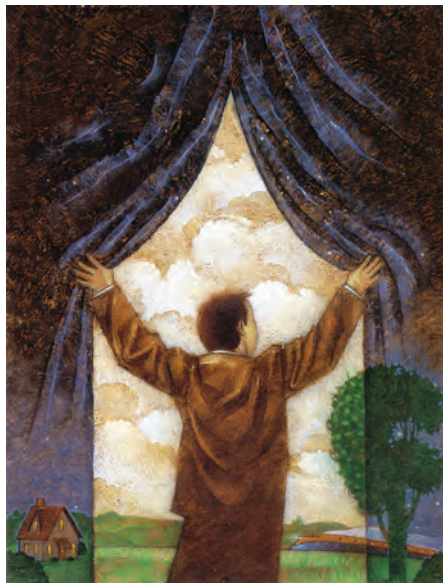
شماره درس	عنوان	صفحه
درس دهم	ارزش آب در زنده‌گی	۴۳
درس یازدهم	اسراف	۴۷
درس دوازدهم	رقعه‌نویسی	۵۱
درس سیزدهم	میرغیاث‌الدین غیاثی	۵۵
درس چهاردهم	فولکلور	۶۱
درس پانزدهم	زبان دری	۶۷
درس شانزدهم	زیب‌النسا مخفی	۷۳
درس هفدهم	ضرب‌المثل‌ها	۷۹
درس هجدهم	حکایت	۸۳
درس نوزدهم	کمپیوتر	۸۷
درس بیستم	شایق جمال	۹۳
درس بیست و یکم	شعر تعلیمی	۹۹
درس بیست و دوم	درخت بقا	۱۰۵
درس بیست و سوم	دکتور عبدالاحمد جاوید	۱۰۹
درس بیست و چهارم	داستان کوتاه	۱۱۵
درس بیست و پنجم	ورزش و فواید آن	۱۲۱
درس بیست و ششم	مواد مخدر	۱۲۷
درس بیست و هفتم	ماین چیست و چند نوع دارد؟	۱۳۳
درس بیست و هشتم	صلح و امنیت	۱۳۹
	واژه‌نامه	۱۴۴
	منابع	۱۴۷





درس اول

## حمد شریف بهترین سر آغاز



به نام خداوندی که انسان را آفرید و خرد را، زبان را آفرید و ما را به فراگیری دانش دستور داد.

اولین درس سال نو تعلیمی را با حمد شریف و زیبای از شاعر بزرگ و توانای شعر و ادب دری، نظامی گنجوی آغاز می‌کنیم. این درس بیانگر ثنا و ستایش خداوند عز و جل است و هدف ما توجه، علاقه‌مندی و تقویت مسایل دینی و عقیدتی، مهارت‌های اساسی زبان، خوانش شعر و آشنایی با کلمه در متن درس می‌باشد؛ پس بگویید که: هر کار را با نام و یاد کی آغاز می‌کنیم؟



ای نام تو بهترین سر آغاز  
 ای یاد تو مونس روانم  
 ای کارگشای هر چه هستند  
 ای هست کن اساس هستی  
 از آتش ظلم و دود<sup>۲</sup> مظلوم  
 هم قصه نانموده دانی  
 ای عقل مرا کفایت از تو<sup>۳</sup>  
 هم تو به عنایت الهی  
 از ظلمت خود رهایی ام ده

بی نام تو نامه<sup>۱</sup> کی کنم باز  
 جز نام تو نیست بر زبانم  
 نام تو کلید هر چه بستند  
 کوه ز درت دراز دستی  
 احوال همه تو راست معلوم  
 هم نامه<sup>۱</sup> نا نوشته خوانی  
 جستن زمن و هدایت از تو  
 آنجا قدم رسان که خواهی  
 با نور خود آشنایی ام ده

لیلی و مجنون - نظامی



۱. نامه در اینجا یعنی کتاب.
۲. دود در اینجا یعنی آه؛ دود مظلوم: آه ستمدیده.
۳. ای عقل مرا کفایت از تو: ای خداوندی که توانایی و شایسته‌گی خرد من از توست.



◆ کلمه

در سال‌های گذشته قواعد دستوری را به طور فشرده خواندید، حالا با کلمه و اقسام آن آشنا می‌شویم، به مثال‌های زیر توجه نمایید:

از آتش ظلم و دود مظلوم      احوال همه تو راست معلوم  
ای عقل مرا کفایت از تو      جستن ز من و هدایت از تو  
در ابیات بالا، (آتش، ظلم، دود، همه، عقل، کفایت و هدایت) کلمه‌های ساده اند.

کلمه، کوچکترین واحد با معنای زبان بوده و دارای معنای مستقل و لغوی است و از نگاه شکل سه نوع می‌باشد: کلمه ساده، مشتق و مرکب.

۱. کلمه ساده آنست؛ که تنها یک جزء بوده و قابل تجزیه به اجزای

مستقل یا نامستقل نباشد؛ مانند: نام، مونس، آتش، روز، روشن، بزرگ و...

۲. کلمه مشتق آنست؛ که از یک کلمه آزاد و چند جزء وابسته ساخته شده باشد؛ مانند: همسفر، فروتن، امروز، نادار و...

۳. کلمه مرکب آنست؛ که از دو کلمه آزاد تشکیل شده باشد؛ مانند: روزنامه، زردآلو، شورانگیز، سیاه‌چشم و...

به تمام کلمه‌های ساده، مشتق و مرکب، کلمه‌های مستقل نیز می‌گویند.

خدایا! نام پاک تو بهترین سرآغاز کارهای ما، حضور تو انیس تنهایی ما، یاد تو یگانه همدم و یار ما و جز نام پاک و برحق تو نیست نام دیگری بر زبان ما، ما را از جهل و تاریکی به دور نگهدار و با نور ایمان و تقوا آراسته دار.



### ◆ فعالیت اول

- چرا هر کاری را با نام و یاد خداوند ﷻ آغاز می‌کنیم؟
  - قدرت‌های خداوند ﷻ را در چه چیزها می‌توان دید؟
  - خداوند ﷻ برای بنده‌گانش عقل داد که چه بکنند؟
  - ابیات زیر را بخوانید و کلمه‌های ساده آن را مشخص نمایید:
- |                          |                           |
|--------------------------|---------------------------|
| ای نام تو بهترین سر آغاز | بی نام تو نامه کی کنم باز |
| ای یاد تو مونس روانم     | جز نام تو نیست بر زبانه   |
- مقصد شاعر را از بیت زیر بیان دارید:
- |                        |                         |
|------------------------|-------------------------|
| ای عقل مرا کفایت از تو | جستن ز من و هدایت از تو |
|------------------------|-------------------------|

### ◆ فعالیت دوم

- از هر گروه یک شاگرد متن شعر را با لحن و آهنگ مناسب بخواند.
- متن شعر را از بیت اول الی آخر املا بنویسید.
  - کلمه‌های جدید درس را در گروه‌ها معنی نموده و طوری جمله بسازید که با مفهوم درس ارتباط داشته باشد.
  - مفهوم بیت زیر را در یک جمله بنویسید:
- |                        |                         |
|------------------------|-------------------------|
| ای کارگشای هر چه هستند | نام تو کلید هر چه بستند |
|------------------------|-------------------------|





درس دوم

## نعت شریف خرد دانا به نور روی او شد



دومین درس ما شعر زیبایست از شیخ فریدالدین عطار، که در وصف پیامبر گرامی و بزرگوار اسلام، حضرت محمد ﷺ سروده شده است. هدف ما ایجاد علاقه و تقویت عقیدهٔ راسخ به سیرت پاک سردار عالم حضرت محمد ﷺ، مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با کلمه‌های نامستقل در متن درس است. حالا بگویید؛ که سرور و سادات عالم کیست؟

دروود از حضرتش بر جان آن کس  
ملائک تابهش جمله طفیلش  
مهین و برترین آفرینش  
خرد دانا به نور روی او شد  
مرفه انبیا در زیر جاهش  
به جودش انبیا گشتند محتاج  
فتوح انبیا و اولیا زوست  
در این عالم هر آن کو برتری یافت

که نامد در جهان مانند او کس  
نبوده با کسی پیوند و میلش  
سر و چشم خرد را تاج بینش  
معطر از نسیم کوی او شد  
مشرف اولیا از خاک راهش  
ز گفتش اولیا بر سر نهند تاج  
چه گویم گر بدانی جمله خود اوست  
ز خاک درگه او سروری یافت

از آن از آفرینش برتر آمد  
که بر جمع دل، او سرور آمد

عطار



نبوده با کسی پیوند و میلش: یعنی پیامبر ﷺ مانند افراد عادی و بر اساس انگیزه‌ها و کشش‌های غیر دینی با کسی میل و پیوند نداشت.





◆ کلمه‌های نامستقل

در درس گذشته با کلمه‌های مستقل آشنا شدیم، در این درس می‌خواهیم بدانیم که کلمه‌های نامستقل کدام‌ها اند؛ به طور مثال:

خرد دانا به نور روی او شد  
معطر از نسیم کوی او شد  
درد از حضرتش بر جان آن کس  
که نامد در جهان مانند او کس  
در ابیات بالا کلمه‌های به، از، بر و در، کلمه‌های نامستقل اند.

در جمله‌های زیر، کلمه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است، کلمه‌های نامستقل اند:

۱. من از کتاب‌فروشی برای برادر و خواهر کوچکم دو کتاب خریدم.
  ۲. خاموش باشیم و با احترام به سخنان بزرگان گوش بدهیم.
- کلمه‌های نامستقل کلمه‌هایی را گویند که دارای معنای دستوری اند؛ ولی به صورت جداگانه و آزاد به کار برده نمی‌شوند؛ مانند: بر، برای، از، با ...



به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیره‌گی‌ها بدین آب شوی  
اگر واقعاً به گفتار پیغمبر گرامی خود حضرت محمد ﷺ عمل کنیم و آن را سر مشق زنده‌گی خود قرار دهیم هیچگاهی گناهی را مرتکب نخواهیم شد. او یگانه پیغمبر است که بنده‌گان خداوند ﷺ را به دین مقدس اسلام مشرف گردانید و همه را از جهل و نادانی به سوی روشنایی و صفا رهنمون شد و عقل و خرد همه بنده‌گان خداوند ﷺ را برای پرستش و عبادت خالق آن‌ها روشن گردانید.





### ◆ فعالیت اول

مفهوم درس را با زبان ساده بیان کنند و به پرسش‌های زیر پاسخ بگویند:

- چرا حضرت محمد ﷺ را آخرین پیامبران می‌گویند؟
- مقصد شاعر از بیت زیر چیست:

در این عالم هر آنکو برتری یافت ز خاک درگه او سروری یافت

- کی می‌تواند بگوید چرا حضرت محمد ﷺ مهین و برترین آفرینش است؟
- هر گروه در مورد دو بیت مختلف از نعت شریف بحث کرده و در آخر نتیجه را یک شاگرد از هر گروه به دیگران بیان کند.

### ◆ فعالیت دوم

- به صورت گروهی در مورد مفهوم درس باهم بحث کنید.
- کلمه‌های جدید و دشوار درس را در کتابچه‌های خود یادداشت نموده و معنای آن‌ها را از همدیگر پرسید.
- درس را به صورت دقیق بخوانید و نکات عمده آن را از یکدیگر سؤال کنید.
- یک نماینده از هر گروه در مورد درس یک جمله روی تخته بنویسد.
- در مورد سیرت حضرت محمد ﷺ یک مطلب پنج سطر بنویسید که در آن کلمه‌های نا مستقل به کار رفته باشد.
- کی می‌تواند احساس و علاقه‌مندی خود را در مورد درس بیان نماید؟



مفهوم درس را به صورت نثر در کتابچه‌های خود بنویسید.



## امانت و راستکاری

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: (سوره نساء آیت ۵۸)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا

خداوند جل جلاله به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آنها پسپارید.

در این درس یکی از حکایت‌های آموزنده ابراهیم ادهم را از کتاب تذکرة الاولیای عطار که در مورد امانت و راستکاری است، می‌خوانیم، می‌آموزیم و سرمشق خود قرار می‌دهیم. تذکرة الاولیای عطار کتابی است به نثر فارسی دری که سرگذشت ۹۶ تن از اولیا و مشایخ صوفیه با ذکر مواعظ و سخنان حکمت‌آمیزشان آمده است. سبک تحریر کتاب ساده و خالی از تکلف است.

هدف ما ایجاد علاقه و تقویت امانتداری، مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با اسم در متن درس است.

امانت و راستکاری چیست؟

ابراهیم ادهم<sup>۱</sup> گفت: وقتی باغی به من دادند، تا نگهدارم، خداوند باغ<sup>۲</sup> آمد و گفت: انار شیرین بیار، بیاوردم ترش بود، گفت: انار شیرین بیار، طبقی دیگر بیاوردم ترش بود. گفت: ای سبحان الله، چندین گاه<sup>۳</sup> در باغ باشی انار شیرین ندانی! گفتم من باغ ترا نگه می دارم و طعم انار ندانم که نچشیده ام. مرد گفت: بدین زاهدی که تویی گمان برم که ابراهیم ادهمی؛ چون این بشنیدم از آنجا برفتم.

تذکرة الاولیای عطار

کس ندیدم که گم شد از ره راست  
در جهان راستان قوی دستند

راستی موجب رضای خداست  
راستی کن که راستان رستند



۱. ابو اسحاق ابراهیم بن ادهم از امیر زاده گان بلخ بود. سال تولد او را ۱۰۰ هـ. ق. و وفات او را ۱۶۰ هـ. ق. روایت کرده اند. به گفته عطار، بعد از ترک بلخ به نیشاپور رفت و مدت نه سال در غاری به عبادت و ریاضت پرداخت؛ سپس به مکه رفت و مجاورت خانه خداوند ﷺ را برگزید.

۲. مالک باغ.

۳. بسیار وقت، دیرزمان.



## قواعد دستوری

### ◆ اسم

در درس گذشته با کلمه‌های نا مستقل آشنا شدید، در این درس با اسم آشنا می‌شویم. به مثال‌های زیر توجه نمایید:

ابراهیم ادهم گفت: وقتی باغی به من دادند، تا نگهدارم، خداوند باغ آمد و گفت: انار شیرین بیار.

در جمله‌های بالا کلمه‌های، ابراهیم، باغ، انار و... اسم‌اند.

اسم کلمه‌یی است که به انسان، حیوان، مکان، نبات و یا چیزی اطلاق شود و یا به سخن کوتاه‌تر اسم، نام اشیا و اشخاص است.

## خلاصه درس

خصلت نیک و پسندیده امانتداری و راستکاری انسان را به مقام و جایگاه بلند می‌رساند، هر کسی که این خصلت را دارد، نزد خداوند ﷻ و بنده گان خداوند ﷻ عزیز و دوست داشتنی است.

## فعالیت‌ها

### ◆ فعالیت اول

- چرا ابراهیم ادهم ندانست که انار شیرین کدام است؟
- چرا راستی موجب رضای خداوند ﷻ می‌شود؟
- چگونه می‌توانیم که امانتدار و راستکار باشیم؟
- در جمله‌های داده شده اسم‌های آن را مشخص نمایید:

مرد گفت: بدین زاهدی که تویی، گمان برم که ابراهیم ادهمی!

- مفهوم درس را با زبان ساده بیان کنید.

### ♦ فعالیت دوم

چند تن از هر گروه مفهوم متن درس را بیان کنند.

- فکر کنید و بگویید که مقصد شاعر از بیت زیر چیست:

راستی کن که راستان رستند در جهان راستان قوی دستند

- برداشت‌تان را از مفهوم درس، در چهار سطر خلاصه نمایید.

.....

.....

.....

.....

.....

- کلمه‌های جدید درس را گروه‌ها معنی نموده و جمله بسازند.

- هر کدام از گروه‌ها یک جمله بنویسند که اسم در آن به کار رفته باشد.



کلمه‌های زیر را در جمله‌های مناسب به کار برده و در کتابچه‌هایتان بنویسید:

.....	امانت
.....	موجب
.....	زاهد
.....	گمان



## بشر دوستی



در این درس برادری، برابری و احترام گذاشتن به حقوق یکدیگر را یاد می‌گیریم و خواهیم دانست که چگونه از تعصبات مذهبی، قومی و نژادی دوری کنیم و چطور خود، خانواده، جامعه و کشور خود را از بدبختی‌ها نجات داده و در آبادی و شگوفایی آن سهم ارزنده و فعال بگیریم. هدف ما ایجاد علاقه و تقویت حس بشردوستی مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با اسم عام و خاص در متن درس است. بگویید که اتحاد و اتفاق در آسایش و آبادی وطن چه نقشی دارد؟



انسان یک موجود اجتماعی است. هیچ انسانی را نمی‌توان مشاهده کرد که دور از اجتماع به تنهایی زنده‌گی نماید و این امر ناممکن است.

زمانی نقش انسان در اجتماع تبارز می‌کند که در برابر جامعه و مردم مهربان باشد و حس بشر دوستی خویش را تقویه نماید. همواره در خدمت بشر قرار بگیرد و بدون در نظر داشت زبان، مذهب، قوم، ملیت، دین و نژاد، رفتار و رویه خوب داشته باشد؛ زیرا همه انسان‌ها دارای حقوق مساوی‌اند.

با ظهور دین مقدس اسلام، در جوامع بشری تحول عظیمی رونما گردید. این دین کامل توانست در توسعه روابط اجتماعی، تأمین عدالت اجتماعی، اتحاد، اتفاق و تساوی حقوق حقه انسان‌ها نقشی بس ارزنده را ایفا نماید. اسلام همواره مردم را به اخوت و برادری دعوت نموده است.

حضرت محمد ﷺ می‌فرمایند: «افراد مسلمان در دلسوزی و مهربانی با یکدیگر مانند اندام‌های یک پیکر هستند، که هرگاه عضوی به درد آید، دیگر اعضا نیز به درد می‌آیند.» این بهترین دستورالعمل حیات، برای ایجاد یک ملت زنده، بیدار، پیشرفته و متمدن است.

پس انسانیت و بشر دوستی یک امر بزرگ اسلامی است و وظیفه هر مسلمان است که همواره در هر جا بشردوستانه عمل نماید، تا جامعه بشری به سوی خیر و رستگاری حرکت نموده، زنده‌گی بهتری را برای انسان امروز و فردا آماده سازد. سعدی شیرین سخن گفته است:

که در آفرینش ز یک گوهراند  
دگر اعضا را نماند قرار  
نشاید که نامت نهند آدمی

بنی آدم اعضای یکدیگراند  
چو عضوی به درد آورد روزگار  
تو کز محنت دیگران بی غمی





### ♦ اسم عام و اسم خاص

در درس گذشته اسم را آموختیم و حالا با اسم عام و خاص آشنا می‌شویم، به مثال‌های زیر توجه کنید:

انسان یک موجود اجتماعی است.

زمانی نقش انسان در اجتماع تبارز می‌کند که در برابر جامعه و مردم مهربان باشد. همواره در خدمت بشر قرار بگیرد.

حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «افراد مسلمان در دلسوزی و مهربانی با یکدیگر مانند اندام‌های یک پیکر هستند.

سعدی شیرین سخن گفته است:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی      نشاید که نامت نهند آدمی  
در جمله‌های بالا کلمه‌های (انسان، مردم، بشر) اسم عام و کلمه‌های (حضرت محمد ﷺ و سعدی) اسم خاص‌اند.

**اسم عام:** آنست؛ که بر افراد هم‌جنس خود شامل باشد؛ یعنی بر همه افراد گروه خود دلالت کند؛ مانند: انسان، شهر، میوه، مردم و...

**اسم خاص:** آنست؛ که برای یک شخص معین و یک چیز خاص دلالت کند؛ مانند: نادیه، احمد، محمد، سعدی، کابل و...



انسانیت و بشر دوستی امر بزرگ اسلامی و دینی هر مسلمان است که همواره آن را در جامعه مراعات باید کرد، تا در دنیا و آخرت رستگار و کامگار باشیم.



### ◆ فعالیت اول

- چرا انسان نمی‌تواند به تنهایی زنده‌گی کند؟
  - در ابیات زیر منظور از بنی آدم چیست:
- بنی آدم اعضای یکدیگراند که در آفرینش ز یک گوهراند**
- چگونه می‌توان حس بشر دوستی را در خود تقویه کرد؟
  - بشر دوستی در پیشرفت و ترقی جامعه چه تأثیر دارد؟
- گروه‌های شاگردان اسم‌های خاص و عام متن درس را مشخص کنند؛ سپس یک‌تن به نمایندگی گروه خود، اسم‌ها را برای دیگران بخواند.

### ◆ فعالیت دوم

- چند تن از هر گروه برداشت‌های‌شان را از مفهوم درس بیان کنند.
- فکر کنید و بگویید که در ابیات زیر، شاعر چه کسانی را خطاب قرار داده است:
- تو کز محنت دیگران بی‌غمی      نشاید که نامت نهند آدمی
- کلمه‌های جدید درس را در گروه‌ها معنی نموده و جمله بسازید.
  - هر کدام از گروه‌ها در ارتباط به مفهوم درس یک جمله بنویسند که اسم‌های خاص و عام در آن به کار رفته باشد.





## هدیه به مادران



در این درس در مورد مقام والا و ارزشمند مادر، مطالبی را می‌خوانیم، می‌آموزیم و سر مشق خود قرار می‌دهیم. شعری را که در این باره انتخاب کرده ایم یکی از مثنوی‌های مشهور استاد، خلیل الله خلیلی می‌باشد.

هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به مقام والای مادر، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با جمع بستن اسم در متن درس است.

خداوند متعال چرا بهشت را زیر پای مادران قرار داده است؟

رهروی روشندلی از بایزید<sup>۱</sup>  
باز گو آخر کجا بشتافتی  
گفت از یک قطره اشک مادرم  
گنج‌ها<sup>۲</sup> در دیدهٔ نمناک اوست  
شام‌ها چون بازخفتی مادرم  
تا دل شب داشت با من رازها  
قصه‌ها شیرین‌تر از شهد و شکر  
ناگهان شامی هوا بس تیره شد  
خون به تن از شدت سرما فسرد  
نیمه‌شب شد مادرم از خواب خاست  
تا گرفتم لرز لرزان جام آب  
من ستادم خشک بر جا از ادب  
آب را از فرط سردی بست یخ  
صبح شد چون بارگاه فیض باز  
دید سوی من که لرزانم چو بید  
گفت ای فرزند بر کف جام چیست  
از چه رو این جام را نگذاشتی  
گفتم ای مادر! خطاب بود این که من  
تو زمن گر آب می‌کردی طلب  
مادر از گفتار من بی‌تاب شد  
سر زد آهی از دل غمدیده‌اش  
اشک مادر گنج گوهر زاشود

کرد پرسش کای مراد هر مُرید  
کاین همه گنج سعادت یافتی  
شاهد مقصود آمد در بَرَم  
این گهرها اشک‌های پاک اوست  
بود در پایان پایش بستم  
گفتگوها، قصه‌ها، آوازه‌ها  
نغمه‌ها جان بخش چون باد سحر  
برف بر شهر و ده ما چیره شد  
شعله از دم سردی ایام مرد  
از من افسرده جامی آب خواست  
مادرم را بار دیگر برد خواب  
چشم برره، جام بر کف جان به لب  
جام را با دست من پیوست یخ  
مادرم برخاست از بهر نماز  
گشته‌ام چون برف سر تا پا سپید  
راست گو این لرزه بر اندام چیست  
خویش را در رنج و محنت داشتی  
می‌نهادم جام بهر خویشتن  
خفته می‌دیدي مرا دور از ادب  
دل میان سینهٔ وی آب شد  
قطرهٔ اشکی چکید از دیده‌اش  
مرد از آن یک قطره چون دریا شود

۱. عارف مشهور قرن دوم و سوم هجری
۲. اشک‌های مادر و دعا‌های او در حق فرزند باعث سعادت در دنیا و آخرت است.

### ◆ جمع بستن اسم‌ها

در درس گذشته با اسم عام و خاص آشنا شدیم، در این درس جمع بستن اسم‌ها را می‌خوانیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

این گهرها اشک‌های پاک اوست	گنج‌ها در دیدهٔ نمناک اوست
گفتگوها، قصه‌ها، آوازها	تا دل شب داشت با من رازها

\*\*\*

جوانان افغان با شور و شوق فراوان در اعمار مجدد افغانستان سهم می‌گیرند. در ابیات و جمله‌های بالا (گنج‌ها، گهرها، اشک‌ها، گفتگوها، قصه‌ها، آوازها، رازها و جوانان) کلمه‌های جمع اند.

جمع اسم آنست که بر بیش از یکی دلالت کند و نشانه‌های آن در زبان دری (ان) و (ها) است، که در پایان اسم علاوه می‌شود؛ مانند: گنج - گنج‌ها، مرد - مردان، اشک - اشک‌ها، کودک - کودکان، جوان - جوانان و...





از بایزید بسطامی پرسیدند: این مقام ارزشمند را چگونه یافتی؟

گفت: شبی، مادرم از من آب خواست. نگریستم، آب در خانه نبود. کوزه بر داشتم و به طرف جوی رفتم که آب بیاورم؛ چون باز آمدم، مادر را خواب برده بود؛ پس با خویش گفتم: «اگر بیدارش کنم، خطاکار خواهم بود.» آنگاه ایستادم تا مگر بیدار شود. هنگام بامداد، او از خواب برخاست؛ سر بر کرد و پرسید: چرا ایستاده یی؟ قصه را برایش گفتم.

او به نماز صبح ایستاد و پس از بجای آوردن فریضه، دست به دعا برداشت و گفت: خدایا! چنان که این پسر را بزرگ و عزیز داشتی، اندر میان خلق نیز او را بزرگ و عزیز گردان.

### ◆ فعالیت اول

- در بیت زیر منظور از گنجها چیست؟
- گنجها در دیده نمناک اوست      این گهرها اشکهای پاک اوست
- چرا بایزید بسطامی دوباره نخواست که بخوابد؟
- دعای مادر در زنده‌گی بایزید بسطامی چه تأثیر گذاشت؟
- مفهوم ابیات زیر را بگویید:
- سر زد آهی از دل غمدیده‌اش      قطره اشکی چکید از دیده‌اش
- اشک مادر گنج گوهرزا شود      مرد از آن یک قطره چون دریا شود

## ◆ فعالیت دوم

- متن شعر را با لحن، آهنگ مناسب و با تلفظ درست کلمه‌ها بخوانید.
- گروه‌ها در مورد مفهوم درس و کلمه‌های جمع در متن با همدیگر بحث نمایند.
- ابیات ناتمام زیر را تکمیل نمایید:

رهروی روشندلی از..... کرد پرسش کای..... هر مرید  
..... آخر کجا بشتافتی کاین همه..... سعادت یافتی  
● هر گروه یک جمله در مورد مقام والای مادر بنویسد.

.....  
.....  
.....



..



در مورد مقام والا و ارزشمند مادر یک مقاله زیبا در کتابچه‌های تان بنویسید.

### ♦ شعری را که خواندید از این شاعر است:

استاد بزرگ ادبیات دری خلیل‌الله خلیلی در سال ۱۲۸۴ هـ.ش. در باغ جهان آرای کابل دیده به جهان گشود. پدرش مستوفی‌الممالک میرزا محمد حسین خان و مادرش دختر یکی از خانان کوهستان بود. او یکی از چهره‌های برجسته در تاریخ ادبیات معاصر افغانستان است. تعداد آثار او در مجموع ۱۲ اثر منشور و منظوم در عرصه‌های مختلف هنر، ادب، سیاست، فلسفه و عرفان است.





## سرزمین من



در این درس با ارزش تاریخی و عظمت شاعران و نویسندگان شعر و ادب در آشنایی می‌شویم و مطالب خوبی را می‌آموزیم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به تاریخ ادبیات در، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با اسم نکره در متن درس است. آیا می‌دانید در کشور ما چه بزرگانی زنده‌گی کرده‌اند؟

کشور عزیز و پرافتخار ما افغانستان سرزمین علم و فرهنگ است. این سرزمین مهد پرورش دانشمندان، شاعران، نویسندگان و هنرمندان بزرگ و وارسته به شمار می‌رود. افغان‌ها مردمانی‌اند که به علم، ادب، استعداد، هنر و مهمان‌نوازی شهرت دارند. شهرهای بزرگ و تاریخی این سرزمین چون: بلخ (ام‌البلاد)، هرات (هری)، غزنی (غزنه)، غور و... روزگاری بزرگترین مراکز اساسی تعلیم و تعلم، حکمت و هنر و سیاست بوده‌اند. با ظهور دین مقدس اسلام زمینه برای گسترش فرهنگ در کشور ما بیشتر فراهم شد؛ زیرا قرآن مجید، این بزرگترین کتاب آسمانی راه را برای دسترسی به درس و تعلم بیشتر و روشنتر کرد. می‌بینیم که مشهورترین شاعران و دانشمندان چون: ابوعلی سینای بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، رابعه بلخی، سیدجمال‌الدین افغان، عنصری بلخی، مولانا عبدالرحمن جامی، رحمان بابا، مخفی بدخشی، خواجه عبدالله‌انصاری، عایشه درانی، سنایی غزنوی، دقیقی بلخی، خوشحال خان ختک، لیلا صراحت روشنی و صدها تن دیگر از این بزرگان، شعر عرفانی را به حد‌اعلای آن رسانیده و آثار گرانبها و ارزشمندی در تاریخ و فرهنگ سرزمین علم پرور ما به جا گذاشته‌اند. این آثار به زبانهای مختلف دنیا نیز ترجمه شده‌اند، از آن جمله می‌توان از کتاب الشفاء و قانون شیخ ابوعلی سینای بلخی و مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی به گونه‌ی مثال نام برد که بسیاری از دانشمندان بزرگ جهان از آثار این بزرگمردان استفاده کرده‌اند.

هر چند یونسکو سال ۲۰۰۷ م. را به نام مولانا نام‌گذاری کرد؛ اما مولانا شاعر همه زمان‌ها و زمین‌هاست و از اقیانوس اندیشه او همه‌گان سیراب می‌شوند.

همین افتخارات، زیبایی‌ها و دلکش بودن زبان دریست که شاعران زیادی کلمه دری را در اشعار خود به کار برده‌اند. بیت زیر از شاعر توانای کشور ما ناصر خسرو بلخی است:

**صفات روی تو آسان بود مرا گفتن**

**گهی به لفظ دری و گهی به شعر دری**

### ◆ اسم نکره

در درس گذشته جمع بستن اسم‌ها را آموختیم؛ اکنون با اسم نکره آشنا می‌شویم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

افغان‌ها مردمانی‌اند که به علم، ادب، استعداد، هنر و مهمان‌نوازی شهرت دارند. بلخ، هرات، غزنی و غور روزگاری بزرگترین مراکز اساسی تعلیم و تعلم حکمت و هنر و سیاست بوده‌اند.

می‌بینیم که مشهورترین شاعران و دانشمندی؛ چون: ابوعلی سینای بلخی و... آثار گرانبها و ارزشمندی در تاریخ و فرهنگ سرزمین علم‌پرور ما به جا گذاشته‌اند. در جمله‌های بالا کلمه‌های (مردمانی، روزگاری، دانشمندی و ارزشمندی اسم نکره‌اند.

◆ اسم نکره: نکره یا غیرشناسا آنست که نزد مخاطب معلوم و معین نباشد؛ مانند: کتابی را خریدم. مردی را دیدم، شاعرانی چون: و...

افغانستان سرزمین علم و فرهنگ و مهد پرورش بزرگترین شاعران و نویسندگان است. آثار این بزرگمردان به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است که امروز جهان اسلام به آنها افتخار می‌کند. سال ۲۰۰۷ م. به نام مولانا نام‌گذاری شد که این خود ارزش فرهنگی و ادبی سرزمین ما را نشان می‌دهد.

### ◆ فعالیت اول

- ظهور دین مقدس اسلام چه تأثیراتی در علم و فرهنگ ما گذاشت؟



• سال ۲۰۰۷ م. به نام کی نامگذاری شد؟

- مولانا جلال الدین محمد از کدام ولایت زیر است:

الف) غزنی      ب) غور      ج) بلخ      د) هیچکدام

• اسم نکره را در جمله زیر مشخص کنید:

«شاعری بود که کلمه دری را در اشعار خود به کار برده بود.»

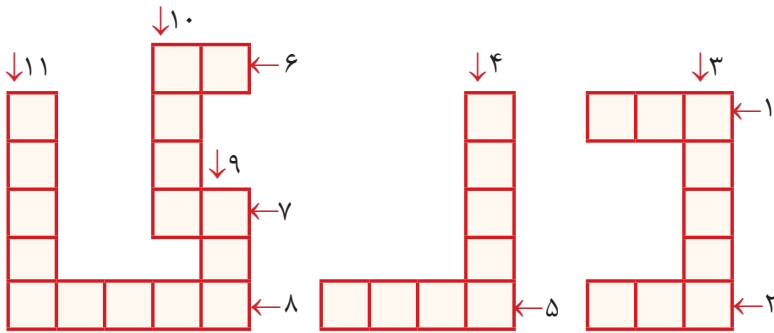
### ♦ فعالیت دوم

• با کلمه‌های زیر جمله بسازید:

۱- وارسته    ۲- گسترش    ۳- فراهم

- جدول زیر را حل کنید:

۱. یکی از رنگ‌های بیرق کشور ما.    ۲. یکی از کشورهای عربی که یاقوتش معروف است.    ۳. صاحب کتاب حدیقه.    ۴. داستان وامق و عذرا را نوشته است.    ۵. به عربی طرف راست را گویند.    ۶. ضمیر فاعلی.    ۷. عدد اصلی.    ۸. از سمرقند بود و شعر «بوی جوی مولیان آید همی» از سروده‌های اوست.    ۹. مترادف سیاحت.    ۱۰. متضاد بدی.    ۱۱. صاحب کتاب خمسه.



درباره این شعر چند سطر در کتابچه‌های خود بنویسید:

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه      که لطف طبع و سخن گفتن دری داند



## سنایی غزنوی



با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست  
یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن

شاعران بزرگی در سرزمین ما زیسته اند که یکی از آنها ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی است. در این درس می‌خواهیم که با ابعاد و جنبه‌های گوناگون زنده‌گانی سنایی و با آثار و نمونه کلام او بیشتر آشنا شویم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به شاعران و نویسندگان ادب دری، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با اسم معرفه در متن درس است. آیا می‌توانید از چند شاعر بزرگ افغانستان نام ببرید؟

بیت صفحه قبلی یکی از اشعار شاعر بزرگ و توانای کشور ما سنایی غزنوی است که در قرن ششم ه.ق. زنده گی می کرد. سنایی به نام حکیم غزنوی نیز شهرت دارد، او تحصیلات خود را در شهر غزنی که در آن هنگام از شهرهای مهم علمی و فرهنگی خراسان بود به پایان رسانید و از انواع علوم مروج روزگارش بهره ها برد.

سنایی جهت تکمیل علوم و تجربیات به شهرهای خراسان آن روز (بلخ، سرخس، مرو و نیشاپور) سفر کرد. از بزرگان روزگارش استفاده ها نمود و از محضر آنان فیض برد. این شاعر در سال ۵۱۸ ه.ق. به شهر غزنی برگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. این سفرها در زنده گی سنایی خیلی ارزشمند بود و مسیر زنده گی او را کاملاً تغییر داد. در این دوره است که به سرودن قصاید معروف خود در زهد و وعظ، خداپرستی و ایجاد منظومه های مشهور حدیقة الحقیقه، طریق التحقیق، سیرالعباد الی المعاد، کارنامه بلخ، عشقنامه و عقلنامه، توفیق یافت و این چند بیت از جمله دور دوم زنده گی اوست که در وصف خداوند ﷻ سروده است:

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

نروم جز به همان ره که تو ام راه نمایی

همه در گاه تو جویم، همه از فضل تو پویم

همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید

مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

در آغاز کار، سنایی شاعر مداح بود و روش شاعران دوره اول غزنوی خاصه عنصری و فرخی را تقلید می کرد. در دور دوم که تغییر حال و تکامل معنوی اوست، آثار او پر از معارف، حقایق عرفانی، حکمی و اندیشه های دینی، زهد و وعظ است که با بیان شیوا و استوار ادا شده است.

سنایی را می‌توان بنیانگذار شعر عارفانه دانست و همچنان از آثار، اشعار و شیوه عارفانه او، گوینده‌گان و نویسندگان متعدد چه در هنگام حیات و چه بعد از مرگش پیروی نموده‌اند؛ چنانکه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی می‌گوید:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او      ما از پی سنایی و عطار آمدیم

خاقانی شروانی که در شعر مقام خود را برتر از عنصری بلخی و رودکی سمرقندی می‌دانست؛ به سنایی به دیده قدر می‌نگریست و خود را پیرو او می‌خواند. سنایی بالاخره در حدود ۵۴۵ ه.ق. در شهر غزنی وفات نمود و در همان جا مدفون است. آرامگاه وی زیارتگاه مردم است.

نمونه کلام

با بدان کم نشین که صحبت بد      گر چه پاکی ترا پلید کند  
آفتابی بدین بزرگی را      لکه‌یی ابر ناپدید کند

\*\*\*

مسلمانان، مسلمانان، مسلمانان! مسلمانان  
از این آیین بی‌دینان، پشیمانی، پشیمانی  
مسلمانی کنون اسمیست بر عرفی و عاداتی  
دریغا کو مسلمانان؟ دریغا کو مسلمانان؟  
بمیرید از چنین جانی کزو، کفر و هوا خیزد  
ازیرا<sup>۱</sup> در چنان جان‌ها فرو ناید مسلمانان



### ◆ اسم معرفه

به جمله‌های زیر دقت نموده و بگویید که کدام قاعده دستوری در آنها به کار رفته است:

۱. سنایی شاعر بزرگ افغانستان است.
  ۲. این شاعر در سال ۵۱۸ ه.ق. به شهر غزنی برگشت.
  ۳. او را می‌توان بنیانگذار شعر عارفانه دانست.
  ۴. حدیقة‌الحقیقه، الهی‌نامه، سیرالعباد از جمله آثار اوست.
- اگر به جمله‌های بالا دقیق شویم، دیده می‌شود که کلمه‌های: افغانستان، سنایی، این شاعر، الهی‌نامه، حدیقة‌الحقیقه و... اسم‌های معرفه‌اند؛ پس اسم معرفه را می‌توان چنین تعریف کرد:
- معرفه** (شناسا) به اسمی گویند که نزد شنونده و مخاطب معلوم و معین باشد. در زبان دری به اسمی معرفه می‌گویند که دارای مشخصات زیر باشد:
۱. اسم خاص باشد؛ مانند: افغانستان، سنایی، الهی‌نامه.
  ۲. ضمیر باشد، مانند: من، او، شما...
  ۳. اسمی که به اسم خاص یا ضمیر مضاف شده باشد؛ مانند: قلم مسعود، الهی‌نامه او و...
  ۴. مشارالیه باشد؛ یعنی بعد از کلمه اشاره (این یا آن) واقع شده باشد؛ مانند: این شاعر، آن نویسنده و...
  ۵. اسمی که یک‌بار ذکرش در کلام آمده باشد؛ مانند: دیروز یک کتاب و یک قلم خریدم. کتاب نزد خواهرم و قلم نزد برادرم است.

ازیرا: در این جا به معنای بدین سبب، بدین علت

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی یکی از شاعران عارف و بزرگ زبان و ادبیات دری است که در قرن ششم زنده گی می کرد و زنده گی او دو دوره داشت. دور اول زنده گی او، در مدح گویی پاچاهان و دور دوم زنده گی او در مدح گویی خداوند جَلَّ جَلالُه، زهد و عرفان سپری شده است. حدیقة الحقیقه، الهی نامه، سیرالعباد الی المعاد، طریق التحقیق از جمله آثار اوست. مجموعه اشعار او افزون بر سیزده هزار بیت است و سنایی را می توان بنیانگذار شعر عارفانه دانست.

### ♦ فعالیت اول

- اشعار دور دوم زنده گی سنایی کدام ویژه گی زیر را دارد:
  - الف) تصوفی
  - ب) اخلاقی
  - ج) عرفانی
  - د) هر سه
- چه کسانی از آثار و افکار سنایی پیروی کرده اند؟
- آثار سنایی را صرف نام بگیرید.
- خصوصیات عمده اسم معرفه کدامها اند؟ توضیح دهید.

## ◆ فعالیت دوم

● جاهای خالی زیر را پر کنید:

معرفه اسمی را گویند که نزد ..... و ..... معلوم و معین باشد.  
با دو قبله در ره توحید نتوان رفت..... یا رضای دوست باید یا..... خویشتن.  
سنایی را می توان بنیانگذار شعر ..... دانست.

.....  
● برای هر یک از خصوصیات اسم معرفه، مثال هایی پیدا نمایید و بنویسید.

● با کلمه های زیر، جمله بنویسید:

سیرالعباد، شاعر، شهرت، بلخ، اسم معرفه

● کلمه های تکراری این درس کدامها اند؟

● کدام دوره زنده گانی سنایی برای تان جالب بود؟


.....  
.....  
.....



کارخانه گی

نمونه کلام سنایی را حفظ کنید و در مورد آن چند سطر در کتابچه های خود

بنویسید.



.....  
.....  
.....





## ملت



آسیا یک پیکر آب و گل است      ملت افغان در آن پیکر، دل است  
علامه اقبال لاهوری

این درس بیانگر وحدت، فضایل و عظمت روحی و معنوی، برادری و شجاعت ملت  
غیور و مسلمان افغانستان می‌باشد. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به نوع دوستی، تقویت  
مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت در متن درس است.  
پس حالا بگویید که: ملت چیست؟

هزاران سال است که در سرزمین پهناور افغانستان مردمی زنده گی می کنند که استوارتر از کوهها در مقابل رنجها، دشواریها و حملات بیگانه گان ایستاده اند و استقلال، وحدت و آزادی خویش را حفظ کرده اند. ملت با ایمان افغان، مردمانی سخت کوش، مبارز، مؤمن، هوشمند و شجاع اند، با فرهنگ، تمدن بزرگ و دیرپا. فرهنگی که آوازه آن از مرزها گذشته و در سراسر جهان طنین انداخته است.

در سرزمین افغانستان، اقوام گوناگون را می توان یافت؛ اما این اقوام دست به دست هم همچون زنجیری ناگسستنی وحدت و همبستگی خود را حفظ کرده اند. هرگاه دشمنی قدم بر این خاک گذاشته، مردم در صفوف محکم با مردانه گی و جان فشانی و ایمان، دست تجاوز را شکسته اند و آزادی و استقلال خویش را حفظ کرده اند. افغانها را برهنه پایان توفان آفرین<sup>۱</sup> و شیران سنگر شکن<sup>۲</sup> نامیده اند. افغانها در مقابل دشمن همچون شمشیر برنده و نسبت به هم به لطافت حریر و صمیمیت نسیم رفتار می کنند.

هر کس به افغانستان سفر کند مردمی را می بیند که دوست، برادر و غمخوار همدیگراند. در غمها با هم اشک می ریزند و در شادیها با هم لبخند می زنند. مردمی را می بیند که به علم و دانش علاقه مند اند و در راه پیشرفت کشور خود صادقانه و خالصانه تلاش می کنند. ملت افغان، ملت اسلام و قرآن اند. آنان از قرآن آموخته اند که نفاق و اختلاف را طرد کنند و وحدت و یکپارچه گی را شعار و رفتار خود سازند؛ چنانکه در قرآن کریم خداوند عز و جل فرموده است: **(وَلَا تَنَازَعُوا فَعَفَا غَافِرًا وَتَذَهَّبَ رِيحُكُمْ)** ترجمه: (و با هم نزاع و اختلاف نورزید که سستی می آورد و اعتبار شما را می برد.) «سوره انفال، آیت ۴۶»

استاد خلیلی، شاعر توانمند و بزرگ کشور ما در مورد ملت ما چنین سروده است:

قوم اگر گفتم، مرادم ملت است	ملت ار گویم، اساسش وحدت است
ملت ما اندرین سخت آزمون	کرده ثابت وحدت خود را به خون
جوهر این ملت ایمانست و بس	رهبرش خورشید قرآنست و بس
ما افتخار می کنیم که در این سرزمین زنده گی می کنیم و می کوشیم تا معمار آینده آن باشیم و در پرتو تعالیم اسلام، وحدت و کوشش همیشه گی فردای دلپذیر و زیباتر برای کشور خود بنا کنیم.	

۱. برهنه‌پایان توفان آفرین: مراد مردم نادار افغانستان است که در برابر بیگانگان تجاوزگر توفان‌ها بر پا کرده‌اند.
۲. شیران سنگر شکن: مجاهدان دلیر افغان که همیشه سنگرهای تجاوز را در هم شکسته‌اند.

### ♦ صفت

به جمله‌های زیر دقت کنید و صفت و موصوف را در آنها مشخص کنید:

- ملت غیور، مسلمان و با ایمان افغان، مردمانی سخت کوش، مبارز، مؤمن، هوشمند و شجاع‌اند.
  - این مردم در صفوف محکم با مردانه‌گی، جان‌فشانی و ایمان دست تجاوز را شکسته‌اند.
- در جمله‌های بالا کلمه‌های (افغان، ملت، مردم) موصوف و کلمه‌های (مردانه‌گی، سخت کوش، مبارز، مؤمن، هوشمند، شجاع، جان‌فشانی) صفت خوانده می‌شوند.
- صفت آنست که حالت و چگونگی اسم را بیان می‌کند. اسمی که برای صفت ذکر شده باشد، موصوف نام دارد؛ مانند: پدر مهربان، مرد جنگی و...

ملت افغان از وحدت همه اقوام ساکن در افغانستان تشکیل گردیده است. افغان‌ها از دین،

عقیده، ناموس و استقلال خویش با مردانه‌گی و جان نثاری دفاع کرده‌اند. ملت مسلمان افغان به علم و دانش، تعلیم و تربیت، بسیار علاقه دارند و از نفاق و اختلاف بیزارند، چرا که دین مقدس اسلام نفاق و اختلاف را نکوهش کرده است.



### ◆ فعالیت اول

- در بیت زیر منظور از قوم چیست:
- قوم اگر گفتم، مرادم ملت است      ملت ار گویم، اساسش وحدت است
- اتحاد و اتفاق در آسایش مردم و شگوفایی یک کشور چه تأثیر دارد؟
- یک تن از شاگردان در مورد ملت مسلمان افغانستان سخنرانی کند.
- فکر کنید و بگویید که در متن درس کدام کلمه بیشتر ذکر گردیده است؟
- راه‌های تحکیم وحدت کدام است؟
- در جمله زیر صفت را مشخص کنید:
- ملت مسلمان افغانستان از اختلاف و نفاق بیزارند.

### ◆ فعالیت دوم

- نکات مهم و ارزنده درس را یادداشت کنید.
- چند تن از هر گروه متن درس را با صدای بلند بخوانند.



مفهوم شعر درس را در سه سطر خلاصه نموده در کتابچه‌های خود بنویسید.



## نظافت



«الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ» حضرت محمد ﷺ فرموده‌اند: «نظافت جزء ایمان است» در این درس در مورد اهمیت و فایدهٔ نظافت در زنده‌گی روزانه مطالبی خوبی را می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به نظافت و پاکی، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت فاعلی در متن درس است.

نظافت در شخصیت و تندرستی ما چه نقش دارد؟

سلامتی جسم و جان از آرزوهایی است که هر انسان خواهان آن است. هر انسان دوست دارد که صحتمند، سالم و خندان باشد. یگانه راه رسیدن به این آرزو، رعایت کردن نظافت و پاکی بدن، محیط و خانواده است. زمانی می‌توانیم از این نعمت بزرگ بهره‌مند گردیم که نظافت و پاکی دهان، دندان، موی سر و صورت، بدن، لباس، پوشاک، خانه، اثاثه خانه، کوچه، بازار، ده و شهر را مراعات نماییم؛ زیرا همه می‌دانیم که اساس یک جامعه مرفعی بر مبنای سلامت جسم و روان افراد پایه‌گذاری می‌شود و نا دیده گرفتن این مسأله مهم در طول تاریخ بشر، سبب خسارات جبران ناپذیری شده است؛ پس نباید این خسارات را بعد از این متحمل شویم؛ بلکه دست به دست هم بدهیم و به حیث افراد دانا در رعایت کردن نظافت و پاکی خود و جامعه خود کوشا باشیم، تا در آینده نزدیک یک افغانستان مرفعی، پویا و متمدن داشته باشیم.

هرگاه خواستار سلامتی بدن خود باشیم که هستیم، باید به پاکی دهان و دندان‌های خود توجه جدی نماییم؛ زیرا اهل تخصص می‌گویند: سلامتی جسم و بدن به خصوص جهاز هاضمه بسته‌گی به نظافت و پاکی دهان و دندان‌ها دارد.

باید بعد از صرف هر غذا دهان و دندان‌های خود را با مسواک یا برس، کریم و آب پاک بشوییم، با این کار از یک طرف به سلامتی دهان و دندان‌های خود کمک کرده‌ایم و از طرف دیگر از مخارج سنگین درمان دندان‌های خود جلوگیری می‌نماییم؛ زیرا دندان‌هایی که خداوند دادگر به ما عنایت فرموده، نعمتی بس بزرگ است که ما بنده‌گان پرستنده خداوند ﷻ باید در حفظ و سلامتی آن‌ها سخت بکوشیم؛ چنانچه در این شعر ایرج میرزا می‌خوانیم:

درباب سحر کنار جو را	پاکیزه بشوی دست و رو را
صابونت اگر بودی میسر	بر شستن دست و رو چه بهتر
کن پاک و تمیز گوش و گردن	کاین کار ضرورتست کردن
چرکین مگذار بیخ دندان	کان وقت سخن شود نمایان
پیراهن خویش کن گزیده	هم شسته و هم اتو کشیده



از نرم و خشن هر آنچه پوشی باید که به پاکیش بکوشی  
چون با ادب و تمیز باشی  
نزد همه کس عزیز باشی

ایرج میرزا

## قواعد دستوری

### صفت فاعلی

در درس گذشته با صفت آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم با صفت فاعلی که نشان دهندهٔ حالت و چگونگی فاعل است، آشنا شویم. به مثال‌های زیر توجه نمایید:

بیاید دست به دست هم بدهیم و به حیث افراد دانا در رعایت نظافت و پاکی کوشا باشیم.

دندان‌هایی را که خداوند دادگر به ما عنایت فرموده، نعمتی بس بزرگ است.

هر انسان دوست دارد که صحتمند، سالم و خندان باشد.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (دانا، دادگر، خندان) صفت فاعلی اند.

پس صفت فاعلی را می‌توان چنین تعریف کرد:

صفت فاعلی کلمه‌یی است که بر حالت و چگونگی فاعل؛ یعنی انجام دهندهٔ کاری دلالت کند؛ مانند: گوینده، بینا، پروردگار، شنوا و دادگر.

در زبان دری صفت فاعلی دارای پساونده‌های زیر می‌باشد:

۱. (-نده) که به آخر فعل امر درآید؛ مانند: بافنده، گوینده، تابنده، پرستنده و...

۲. (-ان) که به آخر فعل امر درآید؛ مانند: خواهان، خندان، دوان، جوشان و...

۳. (-ا) که به آخر فعل امر درآید؛ مانند: گویا، بینا، دانا، جویا، شکیب و...

۴. (-گار) که بیشتر در آخر فعل امر و ماضی درآید؛ مانند: آموزگار، آفریده‌گار،



کردگار، پروردگار...

۵. (- کار) که غالباً به آخر اسم معنی می‌پیوندد؛ مانند: ستمکار، فراموش کار و...
۶. (گر) که در آخر اسم معنی می‌پیوندد؛ مانند: دادگر، ستمگر، رامشگر، و...  
اسم معنی شغل را می‌رساند؛ مانند: آهنگر، مسگر و...
۷. (- ار) که در آخر فعل ماضی در آید؛ مانند: خریدار، خواستار، برخوردار و...

## خلاصه درس

هر گاه خواستار سلامتی بدن خود باشیم، باید به پاکی دهان و دندان‌های خود توجه جدی نماییم؛ زیرا اهل تخصص می‌گویند: سلامتی جسم و بدن به خصوص جهاز هاضمه بسته‌گی به نظافت، پاکی دهان و دندان‌ها دارد.

## فعالیت‌ها

### ◆ فعالیت اول

- چرا پیامبر ﷺ ما را به نظافت و پاکی امر فرموده است؟
- مفهوم اساسی ابیات ایرج میرزا را به طور خلاصه بگویید.
- خصوصیات عمده صفت فاعلی کدام‌ها اند؟ توضیح نمایید.
- چرا انسان پاک و نظیف را همه دوست دارند؟



## ◆ فعالیت دوم

- کلمه‌های جدید درس را بیرون نویس کنید.
  - جاهای خالی زیر را کامل کنید:
- صفت فاعلی کلمه‌ی است که بر..... و..... فاعل دلالت می‌کند.
- برای کلمه‌های زیر جمله بنویسید:

۱. سلامتی .....

۲. نظافت .....

۳. دندان .....

۴. کثیف .....

- به نظر شما چگونه می‌توانیم محیط و جامعه خود را پاک نگهداریم؟
- در مورد تصویر و بیت زیر چهار جمله بنویسید:

## چون با ادب و تمیز باشی

### نزد همه کس عزیز باشی





در مورد مفهوم حدیث مبارک حضرت محمد ﷺ، شش سطر در کتابچه‌های خود

بنویسید:

«الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ» «نظافت جزء ایمان است.»

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



## ارزش آب در زنده‌گی



در درس گذشته در مورد نظافت و پاکی چیزهایی را خواندیم و دانستیم که آب یگانه منبع پاکی و نظافت به شمار می‌رود. در این درس ارزش و اهمیت آب را در زنده‌گی می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به ارزش آب و تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت تفضیلی در متن درس است.

اگر آب نمی‌بود چه اتفاقی می‌افتاد؟

آب برای حیات ما اهمیت زیاد دارد؛ زیرا که حیات همهٔ زنده جان‌ها وابسته به آب می‌باشد. بدون آب زنده‌گی انسان‌ها، حیوانات و نباتات ناممکن است؛ چنانچه خداوند اقدس و توانا در قرآن کریم، پارهٔ ۱۷ سورهٔ انبیاء آیت ۳۰ در مورد اهمیت و ارزش آب در زنده‌گی فرموده است:

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (سورهٔ انبیاء آیت. ۳)

ترجمه: و هر چیز زنده‌یی را از آب پدید آوردیم آیا باز هم ایمان نمی‌آورند؟ پس می‌توان گفت در هر جایی که آب جریان دارد، در آنجا باغ‌ها و کشتزارها نیز وجود دارد و حیات انسان‌ها و سایر زنده جان‌ها در آنجا خوبتر تأمین می‌شود؛ اما در جاهایی که آب وجود ندارد آنجا خشک، بدون کشت و سرسبزی باقی می‌ماند و زنده‌گی کردن در آنجا مشکل است؛ بنابراین گفته می‌توانیم که آب برای زنده‌گی، بزرگترین نعمت خداوند است؛ پس نباید به آن بی‌توجه بود. در کشور ما مردم عموماً از آب دریاها، جوی‌ها، چشمه‌ها، کاریزها و چاه‌های آزاد که معمولاً با گرد و خاک و مکروب‌های مختلف آلوده می‌باشند، استفاده می‌کنند. حیوانات نیز از این جوی‌ها و چشمه‌ها آب می‌خورند؛ پس مصرف این نوع آب‌ها برای آشامیدن مناسب نیست.

جوش دادن آب بهترین شیوه است که آب را صحتی و قابل نوشیدن می‌سازد و یا اینکه مطابق هدایت کارمندان فنی صحتی، ادویهٔ مکروب‌کش (کلورین) را با آن علاوه نماییم تا آبی را که می‌نوشیم برای صحت ما ضرر نرساند.

پس می‌توان گفت که آب برای زنده‌گی همهٔ موجودات زنده با ارزش است و در حقیقت یک بخش عمده از وجود زنده جان‌ها را همین آب تشکیل می‌دهد.

بهارا بازگرد و وارسان آب  
برونست از زمین و آسمان آب  
کز این جاسوی تو آید روان آب

دیوان شمس

بریده شد از این جوی جهان آب  
چو باشد آب‌ها، نان‌ها برویند  
روان و جانان آنکه شاد گردد



### ♦ صفت تفضیلی

- جملات زیر را بخوانید و بگویید که کدام قاعده دستوری در آن‌ها به کار رفته است:
۱. در هر جایی که آب جریان دارد، حیات انسان‌ها و سایر زنده جان‌ها در آنجا خوبتر تأمین می‌شود.
  ۲. آب برای زنده گی همه موجودات زنده با ارزشتر است.
  ۳. حوریه داناتر از بهرام است.
  ۴. گل سرخ زیباتر از گل زرد است.
  ۵. احمد کلانتر از محمود است.
- اگر به جملات بالا دقت نمایید دیده می‌شود که کلمه‌های خوبتر، با ارزشتر و مشکلتر صفت تفضیلی می‌باشند؛ پس صفت تفضیلی را می‌توان چنین تعریف کرد:
- صفت تفضیلی آن است که برتری یک موصوف را بر موصوف دیگر، یا برتری یک شی را بر شی دیگر نشان دهد و علامت آن (تر) است؛ مانند: خوبتر، بدتر، تازه‌تر، پژمرده‌تر، سبزتر، بلندتر، لایقتر، کلانتر و...



حیات تمام زنده‌جان‌ها وابسته به آب بوده و بدون این ماده ارزشمند حیاتی زنده‌گی کردن ناممکن است؛ همچنین آب یک نعمت بزرگ خداوندی است که آن را برای مخلوقات خود ارزانی نموده است.







### ◆ فعالیت اول

- در مورد مفهوم درس چیزی بگویید.
- چرا بدون آب زنده‌گی امکان پذیر نیست؟
- کدام کلمه در متن این درس زیاد به کار رفته است؟
- صفت تفضیلی به کدام صفت گفته می‌شود؟
- چرا باغ‌ها، مزرعه‌ها و کشتزارها بدون آب، سرسبز و شاداب بوده نمی‌توانند؟
- چگونه می‌توان آب‌های غیرصحتی را صحتی ساخت؟

### ◆ فعالیت دوم

علامت صفت تفضیلی کدام یک از کلمه‌های زیر است:

الف) ترین (ب) برین (ج) تر (د) هیچکدام

- سه جمله از جملات زیبای درس را بنویسید.
  - با کلمه‌هایی زیر جمله بسازید:
- ۱- ارزش ۲- حیات ۳- بهترین ۴- نظافت
- دو جمله بنویسید که در آن صفت تفضیلی به کار رفته باشد.
- متن درس را بخوانید و کلمه‌های جدید و مشکل آن را بیرون نویس کنید.
- متن را در گروه‌های خود بخوانید و از موضوعات مهم آن پرسش‌ها تهیه نمایید.
  - شما برای صحتی ساختن آب چه پیشنهادی دارید؟
  - اگر برای یک انسان چند روزی آب میسر نشود، چه رخ خواهد داد؟

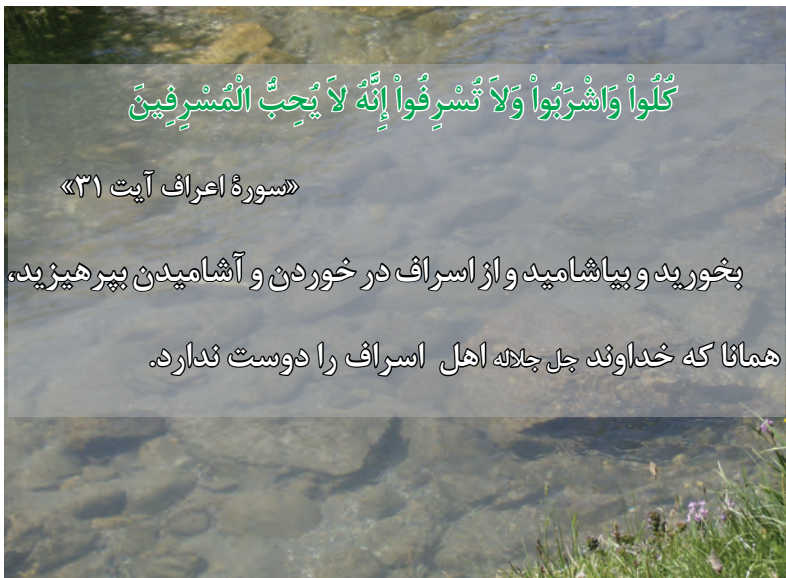


در مورد آب و اهمیت آن یک مطلب بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.





## اسراف



در این درس در مورد اسراف مطالب خوبی گنجانیده شده است، که آن را می‌خوانیم و می‌آموزیم. هدف ما توجه و ایجاد علاقه‌مندی به صرفه جویی، تقویت مهارت‌های اساسی زبان، مشخص کردن اسم و صفت در متن درس است. اگر در مصرف آب، برق و دیگر چیزها صرفه جویی نکنیم چه می‌شود؟

چرا اسراف کردن زشت و ناپسند است؟

برای این که به این پرسش پاسخ دهید؛ به طور مثال: برای بارور شدن یک درخت سیب، چه مقدار انرژی آفتاب لازم است، چه مقدار آب، هوا و مواد معدنی باید مصرف شود و چه افرادی باید زحمت بکشند و بکوشند، تا یک سیب به دست شما برسد؟ وقتی قسمتی از یک میوه را دور می‌اندازید؛ در حقیقت نتیجه آن همه کار و زحمت را دور انداخته اید، علاوه بر این، انسان دیگری را از نعمت‌های خداوند جل جلاله محروم نموده‌اید و حق او را تلف کرده‌اید.

آیا راضی می‌شوید، کودکی گرسنه بخوابد و شما مقداری از غذای خود را دور بیندازید؟ یا میوه‌ها را نیم خورده و مصرف نشده در خاکروبه بیندازید؟ آیا راضی می‌شوید، کودکی تشنه بماند و شما آب را بیهوده تلف کنید؟ و یا کودکی با نداشتن قلم، کتاب، کتابچه و کاغذ، از تحصیل محروم شود و شما کاغذ و کتابچه خود را بی‌جهت پاره کنید، یا نانوشته و سفید به دور بیندازید؟ آیا سزاوار است شما بیش از مقدار احتیاج، برق مصرف کنید و دیگران به قدر کافی روشنایی و برق نداشته باشند؟ در صورتی که خداوند جل جلاله آب، آفتاب، خاک، هوا و نعمت‌های دیگرش را برای همه انسان‌ها آفریده است و هر انسانی باید از این نعمت‌ها بهره‌مند گردد.

پس برما لازم است تا از همه این نعمت‌ها استفاده درست و بجا نماییم، تا از یک طرف فرهنگ اسلامی و انسانی را در دل‌هایی خود نهادینه سازیم و از طرف دیگر رضایت و خوشنودی خداوند جل جلاله را حاصل کنیم؛ چرا که خداوند جل جلاله اسراف‌کننده‌گان را دوست ندارد.



## قواعد دستوری

در درس‌های گذشته با اسم و صفت آشنا شدید؛ اکنون به پرسش‌های زیر پاسخ داده و اسم و صفت آن‌ها را مشخص کنید:

- دین مقدس اسلام، اسراف را چگونه عملی می‌داند؟
- در مورد استفاده بیجا و بی‌مورد از برق چه نظر دارید؟
- اگر ما هر چیز را به قدر ضرورت مصرف کنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟

## خلاصه درس

در این درس آموختیم که باید از هر نعمتی که خدای تعالی به ما عطا کرده است، بهترین استفاده را بکنیم و در بهره بردن از آنها زیاده روی و اسراف نکنیم، تا همه ساکنان کره خاکی بتوانند از نعمت‌های خدا دادی بهره ببرند. نعمت‌هایی که تنها به خوراک و پوشاک محدود نمی‌شوند؛ بلکه تمام امکانات مادی و معنوی را شامل می‌گردند.

## فعالیت‌ها

### ♦ فعالیت اول

- چرا باید در چیزهای خوردنی و آشامیدنی اسراف نکنیم؟
- آیا لازم است که با اسراف نمودن، حق دیگران را تلف کنیم؟
- خداوند <sup>جل جلاله</sup> در مورد اسراف‌کننده‌گان چه فرموده‌است؟
- کی در مورد پیام درس می‌خواهد صحبت کند؟

## ◆ فعالیت دوم

- از هر گروه یک شاگرد متن درس را با صدای بلند بخواند؛ طوری که در زمان خواندن یک گروه، گروه‌های دیگر با دقت تمام گوش داده و در مورد تلفظ درست کلمه‌ها نظر دهند.

- کلمه‌های جدید درس را در کتابچه‌های خود بنویسید.
- یک شاگرد از هر گروه کلمهٔ اسراف را روی تخته در جمله‌های مختلف به کار ببرد. جاهای خالی زیر را پر کنید:

در صورتی که خداوند <sup>جل جلاله</sup> آب، .....، خاک، ..... و نعمت‌های.....  
را برای همه انسان‌ها..... است و هر انسانی باید از..... بهره‌مند گردد.

.....  
.....  
.....  
.....



چند کلمهٔ جدید را از متن درس انتخاب در جمله‌ها به کار برده و در کتابچه‌های خود بنویسید.

.....  
.....  
.....  
.....



## رقعه نویسی



مکتب جای آموختن علم و دانش است. احترام به معلمان و همصنفان، رویه نیک، نظم و قرار، پاکی و نظافت بدن، لباس و موی سر، خوب نگهداشتن کتاب، کتابچه و دیگر ضروریات مکتب، داشتن حاضری منظم، فرستادن رقعه درهنگام ضرورت و یا هم مریضی، اینها همه و همه وظیفه هر شاگرد مکتب است که باید آنها را رعایت کند.

هدف ما از این درس، ایجاد علاقه مندی به نامه نگاری و نوشتن رقعه در موقع ضرورت، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و مشخص کردن اسم‌های عام و خاص در متن درس است.

اگر بخواهید رقعه بنویسید، چه می‌نویسید؟  
همچنین اسم عام و خاص را یکبار دیگر در این درس مرور می‌کنیم.

به مدیریت محترم لیسه استقلال!

من احمد فرزند محمود متعلم صنف هفتم الف نسبت مریضی نمی توانم به دروس خویش حاضر گردم.

امید است از جمله غیر حاضران شمرده نشوم.

با احترام

امضا.....

به مدیریت محترم لیسه رابعه بلخی!

من فرزانه فرزند فرهاد متعلم صنف هفتم به نسبت کار ضروری نمی توانم به مکتب بیایم.

آرزومندم تا عذر بنده را بپذیرید.

با احترام

امضا.....





## قواعد دستوری

### اسم عام و خاص

شما در دروس قبلی با اسم خاص و عام آشنا شدید، حال در مثال‌های زیر اسم‌های خاص و عام را مشخص کنید:

- من احمد فرزند محمود متعلم صنف هفتم به نسبت مریضی نمی‌توانم به دروس خویش حاضر گردم.

- به مدیریت محترم لیسه رابعه بلخی

- من فرزانه فرزند فرهاد....

## خلاصه درس

برای این که ادارهٔ مکتب را از حال و احوال خود واقف و با خبر سازیم، باید نوشتن رقعہ را فرا بگیریم تا بتوانیم در مواقع ضرورت و یا مریضی، مشکلی در نوشتن آن نداشته باشیم و از طرفی هم تقویت‌کنندهٔ خوبی برای املا و انشای ما می‌باشد.

## فعالیت‌ها

### ♦ فعالیت اول

- چرا رقعہ می‌نویسیم؟
- اگر بدون نوشتن رقعہ، غیر حاضری نماییم، چه خواهد شد؟
- یک تن از شاگردان اسم عام و خاص را تعریف نماید و یک تن دیگر مثال بدهد.



## ◆ فعالیت دوم

- یک شاگرد از هر گروه، متن درس را با صدای بلند و مناسب بخواند و کلمه‌ها را درست تلفظ کند.
- گروه‌ها در مورد نوشتن رقعہ و اهمیت آن در پابندی به قوانین مکتب بحث نمایند و نتیجه را از هر گروه یک شاگرد به دیگران بیان کند.
- جاهای خالی زیر را پر کنید:  
به.....محترم لیسه.....  
من.....فرزند.....متعلم صنف.....نسبت.....نمی توانم  
به.....خویش.....گردم.  
.....غیر حاضر.....نشوم.
- کلمه‌های جدید متن درس را در جمله‌های مناسب به کار ببرید.



- در گروه‌های کوچک تنظیم شوید و برای هر گروه یک نماینده انتخاب کنید؛ سپس برداشت‌تان را از متن درس در سه جمله بنویسید، طوری که وظیفه نوشتن را به عهده یکی از اعضای گروه بگذارید و در آخر نماینده هر گروه نوشته خود را با آواز بلند و مناسب بخواند.



هر کدام از شاگردان متن رقعہ مریضی و رخصتی را در کتابچه های خود بنویسد.



## میرغیاث الدین غیاثی



میرغیاث الدین غیاثی یکی از شاعران قرن دوازدهم هـ.ق. سرزمین ماست؛ که در این درس با زنده‌گی، تحصیل، آثار، سبک و قالب‌های شعری او آشنا می‌شویم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به شاعران و نویسندگان ادبیات دری، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت مفعولی در متن درس است.

میرغیاث الدین غیاثی از کجا بود؟

مولانا میر غیاث الدین غیاثی از جملهٔ علما، نویسندگان و شعرای عارف شناخته شدهٔ کشور ماست. او در روستای حصارک ولسوالی جُرم ولایت بدخشان در سال ۱۱۱۷ هـ.ق. زاده شد. پدرش میر سید میرک، برادر میر سید علی همدانی عارف مشهور است. غیاثی آموزش‌های ابتدایی را در زادگاه‌اش نزد خانواده‌اش فرا گرفت و در ۱۴ ساله‌گی به غرض تحصیل علم به هندوستان سفر کرد و در آنجا به فراگیری علوم فقه، تفسیر، حدیث، ادبیات عربی و فارسی پرداخت و به درجهٔ مولوی رسید.

غیاثی بعد از ختم دورهٔ تحصیل در شهر لاهور به خدمت مرشدان بزرگ رسید، به سیر و سلوک روحی پرداخت و به مرتبهٔ ارشاد و بزرگی نایل گردید. وی پس از ۳۰ سال دوری از وطن، در ۴۴ ساله‌گی به جرم بدخشان برگشت، اساس مدرسه و خانقاهی را در آنجا گذاشت، به تدریس علوم دینی و ارشاد مریدان و عاشقان الهی پرداخت و بیشتر از چهار صد مرید و شاگرد از کشورهای مختلف جهان؛ چون: هند، عربستان و آسیای میانه در محضر غیاثی مشغول آموزش و پرورش بوده اند که میر یوسف از امیر زاده‌گان بلخ، شهباز از کاشغر و حضرت خلیفه صاحب از جرم بدخشان از شمار مریدان مشهور وی بوده‌اند.

غیاثی در هنگام تحصیل به سرودن شعر پرداخت و موضوعات اشعار او را بیشتر مسایل دینی، عرفانی و اجتماعی در برداشت. او در دیوان خویش به مدح آفریده‌گار هستی و پیامبر اکرم ﷺ امامان دینی و به خصوص شاه معصوم ثانی مرشد خود پرداخته است.

وی اشعار خود را در قالب‌های قصیده<sup>۱</sup>، غزل<sup>۲</sup>، رباعی<sup>۳</sup> و مثنوی<sup>۴</sup> سروده است و دیوانش در شهر پیشاور به چاپ رسیده است.

بالاخره غیاثی در سال ۱۱۸۲ هـ.ق. در فیض آباد بدخشان وفات کرد و در جوار مسجدی که به نام وی شهرت داشت مدفون شده است.

## نمونه کلام

لاف زنی که عاشقم، دیده اشکبار کو؟

سوزش جان و دل کجا؟ سینه پر شرار کو؟

ای که ز سیر عشق او، زخم به سینه خورده‌یی

در دل شب ز درد آن، گریه زار زار کو؟

گر توشه طریقتی، خضر ره حقیقتی

قلب ز ما سوا بری، باطن بی غبار کو؟

نیست ترا اگر به دل، میل به جیفه جهان

مال و متاع جان و دل، در ره حق نثار کو؟

مرگ رسید بر سرت، نیست هنوز باورت

بهر نجات آخرت، فکر کجا و کار کو؟

گر به مثل شهنشهی، گشته جهان مسخرت

عمر مخلصدی کجا، دولت پایدار کو؟

دبدبه کیان چه شد، دغدغه شهان چه شد

جان و جلال و سلطنت، این همه گیرودار کو؟

گر تو غیاثی عارفی، از ره فقر واقفی

عاجزی و شکسته‌گی، پستی و انکسار کو؟



۱. قصیده: نوع شعری است که بر یک وزن و قافیه در مورد یک موضوع معین سروده می‌شود که تعداد ابیات آن معمولاً بیشتر از ۱۳ بیت است و تا ۳۰۰ بیت می‌رسد.

۲. غزل: شعری است بر یک وزن و قافیه با مطلع مصرع که حد معمول آن مابین پنج تا دوازده بیت باشد.

۳. رباعی: دو بیتی را گویند که قافیه در هر دو مصراع بیت اول و مصراع چهارم رعایت شود.

۴. مثنوی: شعری که هر بیت آن دارای قافیۀ مستقل باشد.

### قواعد دستوری

#### ♦ صفت مفعولی

جمله‌های زیر را بخوانید و بگویید که صفت مفعولی آن کدام‌ها اند:

- گیائی از شمار نویسندگان و شعرای شناخته شده کشور است.
- بلخی، شهباز و خلیفه صاحب از شمار مریدان مشهور وی بوده اند.
- او در دیوان خویش به مدح آفریده‌گار هستی... پرداخته است.
- اشعار خود را در قالب‌های قصیده، غزل و رباعی سروده است.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (شناخته، بوده، پرداخته و سروده) صفت مفعولی اند که می‌توان آن را چنین تعریف کرد:

صفت مفعولی، صفتی است که بر چگونه‌گی مفعول؛ یعنی موجودی که کار بر روی آن واقع شده دلالت می‌کند، که با حذف (ن) مصدری و اضافه نمودن (ه) غیر ملفوظ ساخته می‌شود؛ مانند: دست شکسته، در بسته، سخن گفته، گل شگفته که (شکسته، بسته، گفته و شگفته) صفت مفعولی هستند.

### خلاصه درس

گیائی از جمله شاعران و نویسندگان قرن دوازدهم است، که در ولایت بدخشان در سال ۱۱۱۷ هـ. ق. زاده شده است، دروس ابتدایی خود را در زادگاه‌اش به اتمام رسانید؛ سپس غرض تحصیل به هندوستان سفر کرد و به فراگیری علوم مختلف پرداخت و بعد از

مدت زیادی دوری از وطن در سن ۴۴ ساله‌گی به سرزمین خویش بازگشت و به تدریس و ارشاد پرداخت.

او در هنگام تحصیل به سرودن شعر نیز دست یافت و اشعار او را مسایلی چون دین، عرفان و اجتماع تشکیل می‌داد. بالاخره در سال ۱۱۸۲ هـ. ق. در فیض آباد بدخشان وفات کرد.



### ◆ فعالیت اول

گیاهی در کدام یکی از این ولایات به دنیا آمده است:

- |            |           |
|------------|-----------|
| الف) بغلان | ب) کابل   |
| ج) غزنی    | د) بدخشان |

- زنده‌گی نامهٔ گیاهی را به طور فشرده بیان کنید.
- گیاهی در کدام قالب‌ها، شعر سروده و کدام موضوعات را بیان کرده است؟
- در مورد بیت زیر گفتگو نمایید و نمایندهٔ هر گروه نتیجه را بیان کند:  
مرگ رسید بر سرت، نیست هنوز باورت  
بهر نجات آخرت، فکر کجا و کار کو؟

### ◆ فعالیت دوم

- کدام کلمه در این درس تکرار آمده، یادداشت کنید؟
- سه جمله بنویسید که در آن صفت مفعولی به کار رفته باشد.

● با کلمه‌های زیر جمله بسازید:

۱. صفت مفعولی

۲. شاعران

۳. تحصیل

۴. شعر

جدول زیر را مطابق هدایت، کامل کنید:

اسم مصدر صفت‌های داده شده را بنویسید.		صفت مفعولی کلمه‌های داده شده را بنویسید.	
صفت مفعولی	اسم مصدر	صفت مفعولی	اسم فعل
خورده	خوردن	شکسته	شکستن
نوشیده			بستن
پریده			گفتن
ستوده			سرودن
شناخته			پیوستن
ر بوده			نوشتن
شده			کردن
نشسته			بردن



در مورد سه بیت اول نمونه کلام گیائی، چند سطر در کتابچه‌های خود بنویسید.

.....

.....





## فولکلور



در این درس در مورد فولکلور مطالبی را می‌خوانیم و می‌آموزیم و از ادبیات عامیانه سرزمین ما با چیستان آشنا می‌شویم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به ادبیات عامیانه، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت عالی در متن درس است.

چیستان به گونه‌ی نثر بیان می‌گردد یا نظم؟

مجموعه آداب، رسوم، افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، چیستان‌ها، اساطیر، سحر و جادو، طب عامیانه، اعتقادات و سنت‌ها درباره تولد، مرگ، ازدواج، پیشگویی‌ها و مانند آن را فولکلور یا فرهنگ عامیانه می‌گویند.

فولکلور کلمه آلمانی است که معادل آن، در زبان دری فرهنگ، فرهنگ مردم یا فرهنگ و دانش توده گفته شده است.

ادبیات عامیانه در اواسط قرن نوزدهم در آلمان ثبت شده که برای بار اول افسانه‌های پریان آلمانی را گردآوری و منتشر کردند. بعد از آن ثبت ادبیات عامیانه در تمام مؤسسات فرهنگی و ادبی جهان به خصوص در اروپا رواج یافت.

در کشور ما افغانستان نشر مطالبی درباره فولکلور، بار نخست در صفحات سراج‌الاکهار در زمان امیرحبیب‌الله خان (۱۲۸۰-۱۲۹۸ هـ ش.) آغاز شد که بیشترین موضوعات آن شامل چیستان، دوبیتی، اشعار ملی و... بود. بعدها آهسته‌آهسته در مطبوعات و نهادهای علمی، راه خود را باز کرد.

در این درس از فولکلور یا فرهنگ عامیانه سرزمین ما چیستان را انتخاب کرده‌ایم که در این جا با آن آشنا می‌شویم و جالب‌ترین نمونه‌های آن را می‌خوانیم.

**چیستان:** (چیست آن) یک جمله کوتاه و یا نظمی است که در آن بعضی از خواص، علایم، اوصاف و خصوصیات به قسم سخن سر بسته بیان می‌شود.

قدیمی‌ترین نوع چیستان در ادبیات دری به شکل منظوم بوده است که در آن هنگام، به نام‌های مُعَمَا و لُغَز خوانده شده است؛ چنانچه اگر به طریق سؤال (چیست آن) گفته شود آن را چیستان می‌گویند. در غیر آن مُعَمَا و لُغَز گفته می‌شود که به قسم نظم و نشر بیان شده است.



مثال:

۱. آن جرم پاک چیست چو ارواح انبیا  
چون روح پر لطافت و چون عقل با صفا  
گه خوار و گه عزیز و گهی پست و گه بلند  
گه تیره‌گاه صافی و گه درد و گه دوا

۲. یکی اسپیی عجیب دیدم که شش پا و دو سم دارد

عجایب تر از آن بشنو میان پشت دم دارد.

۳. قدش به قلم ماند و بویش به صنوبر

شش ناک تُنگ دارد و یک کاسه مزعفر

۴. برگ سبز چمنی، ورق ورق می‌شکنی

۵. چیست آنکه سه بازیگر و دوازده تماشاچی دارد.

۶. آن چیست که در بحر یکی و در دریا دو تاست.

۷. آن چیست که در کابل چهار، در پروان پنج، در کندهار شش و در مزار شریف

هشت تاست؟





♦ صفت عالی

در درس گذشته صفت مفعولی را خواندیم حالا با صفت عالی آشنا می‌شویم. به جمله‌های زیر توجه کنید:

قدیمی‌ترین نوع چیستان در ادبیات دری به شکل منظوم بوده است. جالب‌ترین نمونه‌های آن را می‌خوانیم.

بیشترین موضوعات سراج الاخبار درباره چیستان، دوبیتی و... بود.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (بیشترین، قدیمی‌ترین و جالب‌ترین) صفت عالی اند. صفت عالی برتری یک موصوف را بر تمام موصوف‌های دیگر، که دارای صفت مشترک باشند نشان می‌دهد و علامت آن «-ترین» است که در آخر صفت ساده اضافه می‌شود؛ مانند:

زیباترین	ترین	زیبا
بیشترین	ترین	بیش
قدیمی‌ترین	ترین	قدیمی
جالب‌ترین	ترین	جالب
بزرگترین	ترین	بزرگ



فولکلور کلمه آلمانی است و معادل آن در زبان دری فرهنگ مردم است که مجموعه آداب، رسوم، افسانه‌ها، چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، و... می‌باشد. در افغانستان مطالبی درباره فولکلور بار اول در جریده سراج الاخبار در زمان حکومت امیر حبیب‌الله خان به نشر رسید. چیستان یک جمله کوتاه و یا نظمی است که در آن بعضی

از خواص، علایم، اوصاف و خصوصیات به قسم سخن سر بسته بیان می شود.



### ◆ فعالیت اول

کلمه فولکلور مربوط کدام یک از زبان‌های زیر است:

الف) دری (ب) فرانسوی

ج) آلمانی (د) روسی

● در کشور ما افغانستان نشر مطالبی درباره فولکلور در کدام جریده و در زمان کدام پادشاه آغاز شد؟

● به کدام موضوعات، فولکلور گفته می شود؟

● از هر گروه یک تن یک چیستان نو بگویند.

### ◆ فعالیت دوم

● گروه‌ها هر کدام یک چیستان را انتخاب کرده، در مورد مفهوم آن با همدیگر بحث کنند. نتیجه را در آخر یک تن به نماینده گی گروه خود به دیگران بیان کنند.

● چیستان‌ها را در کتابچه خود بنویسید.

● کلمه‌های زیر را در جمله به کار ببرید:

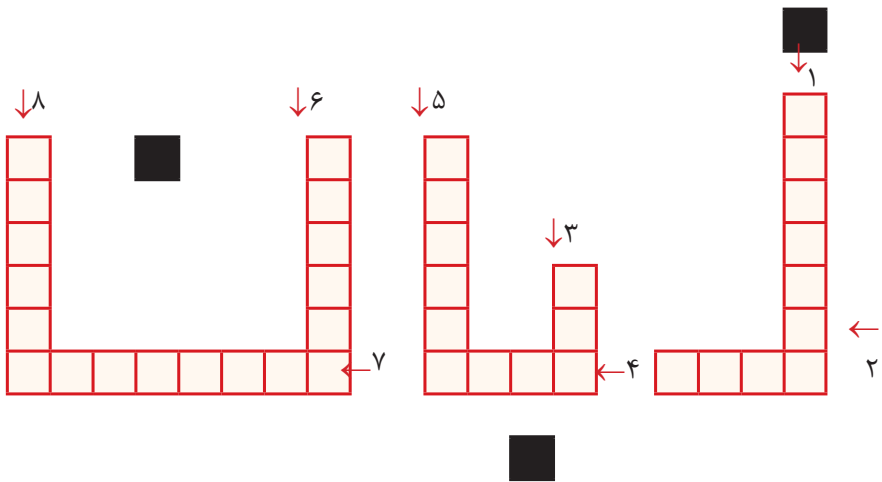
۱. اساطیر

۲. رسوم



## جدول زیر را حل کنید:

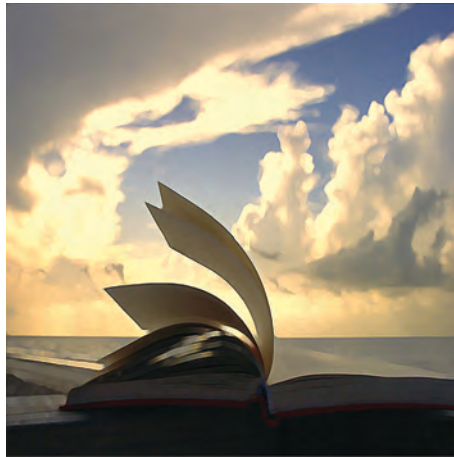
۱. عنوان همین درس.
۲. جمع رسم، مجموعه آداب و رواج‌ها.
۳. کشوری که در شمال شرق افغانستان و هم‌مرز با ولایت بدخشان است.
۴. منسوب به آهوی ختن است که مشک آن معروف است.
۵. جزء ادبیات فولکلور.
۶. بر گزیدن کسی یا چیزی را گویند.
۷. کتاب مشهور نورالدین عبدالرحمن جامی.
۸. سخن سر بسته، لُغز و مُعما نیز می‌گویند.



هر کدام از شاگردان سه چیستان نو در کتابچه‌های خود بنویسند.



## زبان دری



**گرچه هندی در عذوبت شکر است**

**طرز گفتار دری شیرینتر است**

**علامه اقبال**

تاریخ دیرینه و کهن زبان و ادبیات دری را در این درس به طور خلاصه می‌خوانیم، مطالب مفید و سودمندی را از درس می‌آموزیم و نکات مهم و ارزنده آن را به خاطر می‌سپاریم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به زبان شیرین و دلپذیر دری، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت نسبتی در متن درس است.

آیا فرقی میان دری و فارسی وجود دارد؟



زبان شیرین و دلپذیر دری، زبان نیاکان ماست. زبان شاعران و نویسندگان که جاودانه‌ترین آثار را آفریده، ادبیات، علوم و فنون را با این زبان شیوا و رسا به جهانیان عرضه کرده‌اند.

خاستگاه یا محل پیدایش زبان دری کجاست؟ به درستی نمی‌توان گفت؛ اما گفته‌اند نخست در خراسان بزرگ (بلخ، بخارا، سمرقند و خجند) به دنیا آمده و از آن جا به سرزمین‌های دیگر راه یافته است.

زبان دری در واقعیت یک زبان است که امروز به نام‌های گوناگون یاد می‌شود؛ در افغانستان به نام زبان دری، در ایران به نام زبان فارسی و در تاجیکستان به نام زبان تاجیکی شهرت دارد.

زبان دری در گذشته‌ها دارای یک قلمرو بود و کشورها و نام‌های امروزین با دیروزین نیز تفاوت دارد. افغانستان را خراسان، ایران را فارس، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان را ماوراءالنهر یا پاردریا می‌نامیدند. در متون نظم و نثر قدیم هر جایی که کلمهٔ ایران ذکر شده، مراد از آن، اکثر مناطق یاد شده است. دولت ایران در سال ۱۹۳۵م از دنیا خواست تا نام این کشور را در نوشته‌های خود از پارس به ایران تغییر دهند.

سرزمین اصلی زبان دری یا فارسی از روی تاریخ، مناطقی است که بیشتر در افغانستان امروز قرار دارد. این زبان یکی از دو زبان رسمی کشور ماست، در ایران یگانه زبان رسمی است و در تاجیکستان نیز زبان رسمی آن کشور است.

زبان دری علاوه بر کشورهای یادشده در مناطقی از ازبکستان و ترکمنستان نیز رواج دارد و در کشورهای پاکستان، هند، عراق و دیگر سرزمین‌ها برخی از مردم با آن آشنایی دارند.

وقتی دیوان شاعران بزرگ افغانستان و ایران را مطالعه می‌کنیم، غزل‌های دلنشین، قصاید بلند و پرشکوه؛ مثل: مثنوی معنوی مولانا، قصاید ناصر خسرو، حدیقهٔ سنایی، بوستان و گلستان سعدی، غزل‌های حافظ، شاهنامهٔ فردوسی، غزلیات بیدل و... همه و همه با این زبان سروده شده‌اند.

زبان دری آنقدر زیباست که شاعران صدای کبک کوهستان، نغمه روح پرور بلبل، آواز موج دریا و نسیم صبحگاهی را به آن تشبیه کرده اند. این زبان یکی از زبان‌های زنده دنیاست. زبانی که ابوعلی سینا و خواجه عبدالله انصاری با آن سخن گفته اند، زبان نیایش‌ها، مناجات‌ها، حکمت‌ها و کتب علمی‌ماست. این زبان میراث گرانقدر از افتخارات سرزمین ماست که باید آن را بیاموزیم و آثار گرانقدری را که به این زبان نوشته شده بشناسیم و از آنها استفاده کنیم؛ چنانکه شاعرانی زیادی کلمه دری را در اشعار خود به کار برده اند:

من آنم که در پای خوکان نریزم      مر این قیمتی در لفظ دری را  
 \*\*\*  
 ناصرخسرو

هزار بلبل دستانسرای عاشق را      ببايد از تو سخن گفتن دری آموخت  
 \*\*\*  
 سعدی

یکی تازه کن قصه زردهشت      به نظم دری و به خط درشت  
 قزوینی





### ♦ صفت نسبتی

به جمله‌های زیر توجه نموده، صفت نسبتی را در آنها مشخص کنید:

• زبان دری در گذشته‌ها دارای یک قلمرو بود و کشورها و نام‌های امروزی با دیروزین نیز تفاوت دارد.

• این زبان یکی از دو زبان رسمی کشور ما است.

• در تاجیکستان به نام زبان تاجیکی یاد می‌شود.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (تاجیکی، امروزین، دیروزین و رسمی، صفت نسبتی اند.

صفت نسبتی آنست که کسی یا چیزی را به چیزی یا جایی نسبت دهد و علامت‌های

آن عبارت از (ی، ین، ینه، انه، ه) می‌باشد، که در آخر اسم افزوده می‌شود.

ی: فولادی، گلابی، هراتی و...

ین: زرین، آتشین، دیرین و...

ینه: سبزینه، دوشینه، دیرینه و...

انه: دلیرانه، مردانه، عاقلانه و...

ه: دو روزه، سده، دهه و...



زبان فارسی دری در واقعیت یک زبان است، که در افغانستان به نام زبان دری در ایران به نام زبان فارسی و در تاجیکستان به نام زبان تاجیکی یاد می‌شود. در قدیم افغانستان را به نام خراسان، ایران را به نام پارس یا فارس، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان را به نام ماوراءالنهر یا پار دریا یاد می‌کردند.

زبان دری یکی از دو زبان رسمی کشور ما و از جمله زبان‌های زنده دنیا است.

### ◆ فعالیت اول

- مردمان کدام کشورهای زیر به زبان فارسی دری تکلم می‌کنند:  
الف- تاجیکستان ب- ایران ج- افغانستان د- هر سه
- خراسان، فارس و ماوراءالنهر یا پار دریا، در قدیم نام کدام کشورها بود؟
- شاگردان در گروه‌های خود، زیباترین کلمه متن درس را انتخاب؛ سپس یک تن به نماینده‌گی گروه خود، کلمه مورد نظر را به دیگران بگوید.
- یک تن از هر گروه مفهوم درس را به زبان ساده بیان و صفت نسبتی را در متن درس مشخص کند.

### ◆ فعالیت دوم

- کلمه‌های جدید و مشکل درس را یادداشت کنید.
- از هر گروه دو تن متن درس را با صدای بلند بخوانید و کلمه‌ها را درست تلفظ کنید.
- متن درس را املا بنویسید و صفت‌های نسبتی آن را نشانی کنید.

● کلمه‌های زیر را در جمله به کار ببرید:

شیوا، پاردریا، قلمرو، عرضه

● در مورد هر یک از تصویرهای زیر سه سطر بنویسید که با متن درس ارتباط داشته

باشد:



افغانستان



تاجیکستان



ایران



در مورد زبان‌های رسمی کشور در پنج سطر یک مقاله تحریر کنید.



## زیب النساء مخفی



دختر شاهم و لیکن رو به فقر آورده ام  
زیب و زینت بس همینم نام من زیب النساء

در این درس در مورد زیب النساء مخفی شاعر دری زبان، نمونه کلام، زادگاه و موضوعات شعری او مطالبی را می خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با شاعران دری گوی، تقویت مهارت های اساسی زبان و آشنایی با ضمیر در متن درس است.  
زیب النساء مخفی از کجا بود؟

زیب النسا بیگم متخلص به مخفی یکی از زنان شاعر و معروف زبان و ادب فارسی دری است. او در سال ۱۰۴۸ هـ ق. در هندوستان به دنیا آمد. پدرش اورنگ زیب از پادشاهان بزرگ سلسله گورگانیه<sup>۱</sup> هند است.

مخفی آموزش‌های نخستین را از محضر بانو حافظه مریم فرا گرفت و قرآن کریم را حفظ کرد؛ سپس نزد ملا سید اشرف مازندرانی به آموزش ادبیات دری، عربی و تمرین خط پرداخت و نگارش انواع خط فارسی دری را به وجه نیکو فرا گرفت.

زیب النسا در بیست و یک سالگی به شعرگویی آغاز کرد و واژه «مخفی» را به عنوان تخلص شعری خود گزید، او در قصر خویش کتابخانه بزرگی داشت و آن را به دسترس علاقه‌مندان قرار می‌داد. او همواره علما و شعرا را با دادن جوایز تشویق می‌کرد که به همت و حمایت وی کتب متعددی از سوی دانشمندان علوم، انشا و تألیف شده است.

مخفی با دشواری‌های فراوانی روبرو شد؛ چنانکه شعر گفتن را از پدرش پنهان می‌کرد و مدتی هم مورد سرزنش او قرار می‌گرفت. مخفی در قفس طلایی دربار با سرایش شعر تسلی خاطر می‌نمود و حتی تا پایان عمر مجرد زنده‌گی نمود و هرگز همسری به خود انتخاب نکرد. مخفی شاعر مدیحه سرا و نهایت هوشمند و با استعداد بود. در مشاعره‌ها و بدیهه‌گویی از دیگران پیشی می‌گرفت؛ چنانکه روزی خادمه اش آئینه نفیسی را نزد او می‌آورد که اتفاقاً آئینه بر زمین می‌افتد و می‌شکند و می‌گوید:

«از قضا آئینه را چینی<sup>۱</sup> شکست» و زیب‌النسا فوراً پاسخ می‌دهد:

«خوب شد اسباب خود بینی شکست»

مخفی در اشعار خویش از شعرای متعددی پیروی نموده؛ ولی از همه به حافظ تمایل و گرایش بیشتر نشان داده است. او در اشعار خود به داستان‌های عاشقانه لیلی و مجنون و فرهاد و شیرین اشاره‌های مکرر داشته و از داستان یوسف و زلیخا بارها در اشعار خود یاد کرده است، اشعار مخفی بیشتر جنبه عاشقانه داشته و گاهی هم رنگ عارفانه را به خود گرفته است.

مجموع اشعار او به بیش از چهار هزار بیت می‌رسد که در قالب‌های مختلف شعر ارائه



شده است. او در سن ۶۵ ساله‌گی در شاه جهان آباد(دهلی) وفات کرده است.

### نمونه کلام

بی شب‌نم رویت به چمن نشو و نما هیچ

بی‌پرتو رویت به رخ شمس ضیا هیچ

روزی که محیط کرم‌ت موج برآرد

بر موجۀ هر موج‌ه دو صد کوه خطا هیچ

گر خون جگر در رخت از دیده بریزد

بی‌حسن قبولت ز سمک تا به سما هیچ

بی‌روی تو کونین به یک جو نستانیم

بی‌جلوه حسن تو مرا هر دو سرا هیچ

رفتیم از این غم‌کده و جز غم ایام

در بدرقه خویش ندیدم به قفا هیچ

مخفی به فغان کوش که در گلشن مقصود

بی‌زمزمۀ مرغ چمن ساز و نوا هیچ

\*\*\*

نه هر سر، تاج و تخت سروری یافت

نه هر اسکندری پیغمبری یافت

نه هر جامی جهان بین جهان شد

نه هر آینه‌یی اسکندری یافت

نه در هر چشمه‌یی آب حیات است

نه هر خضری در این ره، رهبری یافت

۱. چینی نام کنیز زیبالنسا مخفی بود.

### ♦ ضمیر

در درس‌های گذشته با صفت و انواع آن آشنا شدیم و حال در این درس می‌خواهیم بدانیم که ضمیر چیست و موارد کاربرد آن کدام است؟  
به جمله‌های زیر دقت کنید:

۱. مخفی در اشعار خود به داستان‌های عاشقانه لیلی و مجنون اشاره‌های مکرر داشته است.

۲. او در سال ۱۰۴۸ هـ. ق. در هندوستان به دنیا آمد.

۳. دختر شاهم و لیکن رو به فقر آورده ام

زیب و زینت بس همین است نام من زیب النسا است

۴. بی‌روی تو کونین به یک جو نستانیم

بی‌جلوه حسن تو مرا هر دو سرا هیچ

در جمله‌های بالا، کلمه‌های او، خود، من و تو (شما) ضمیر نامیده می‌شوند.  
پس ضمیر را می‌توان چنین تعریف کرد:

**ضمیر** کلمه‌یی است، که جای اسم را می‌گیرد و برای رفع تکرار آن استعمال می‌شود؛ مانند: پرویز ناهید را دید و به او گفت. در این جمله «او» به جای «ناهید» نشسته است، و اگر چنین نمی‌بود، ما ناگزیر بودیم که بگوییم: پرویز ناهید را دید و

به ناهید گفت. دیده می‌شود که تکرار کلمه موجب نارسایی و ضعف کلام می‌گردد؛ همچنین در زبان دری، «ناهید» را مرجع ضمیر می‌گویند، مرجع ضمیر کلمه‌یی است که ضمیر به آن بر می‌گردد؛ به طور مثال:

پرویز ناهید را دید و به او گفت.

مرجع ضمیر

ضمیر انواع مختلف دارد که در درس‌های بعدی با آن آشنا می‌شویم.



## خلاصه درس

زیب‌النسا بیگم یکی از زنان شاعر زبان فارسی دری است. که در سال ۱۰۴۸ هـ. ق. در هندوستان به دنیا آمد. آموزش‌های نخستین را از محضر بانو حافظه مریم فرا گرفت و سپس نزد ملا سیداشرف مازندرانی به آموزش ادبیات دری، عربی و تمرین خط پرداخت. او در ۲۱ ساله‌گی به شعرگویی آغاز کرد، اشعار او بیشتر جنبه عاشقانه داشت و گاهی هم رنگ عارفانه را به خود گرفته است. مجموعه اشعار او به بیش از ۴۰۰۰ بیت می‌رسد، که در قالب‌های مختلف سروده شده است.



## فعالیت‌ها

### ♦ فعالیت اول

- در مورد مفهوم نمونه کلام مخفی در گروه‌ها با هم گفت و شنود کنید و نتیجه را نماینده هر گروه بیان کند.
- در مورد زنده‌گی نامه مخفی به طور مختصر صحبت کنید.  
در جمله‌های زیر ضمیر و مرجع ضمیر را مشخص نمایید:  
احمد یک پسر باهوش است، او هر روز مطالعه می‌کند.

- حوریه و ثریا به مکتب می‌روند، آنها شاگردان وقت شناسی هستند.
- کتاب مجالس سبعة مولانا جلال الدین را خریدم و آن را مطالعه کردم.
- در مورد این بیت بحث کنید:

نه هر سر، تاج و تخت سروری یافت

نه هر اسکندری پیغمبری یافت

### ♦ فعالیت دوم

- متن درس را بخوانید و کلمه‌هایی که با حرف (م) شروع شده باشد بیرون نویس کنید.
- جمله‌های زیر را گسترش دهید:

مخفی آموزش‌های نخستین.....

.....

/.....

مجموع اشعار او.....

.....

/.....

- چند جمله بنویسید که در آن ضمائر (او، من، ما و آنها) به کار رفته باشد.
- به نظر شما هر کسی می‌تواند شعر بسراید؟ در سه سطر بنویسید.



کارخانه‌گی

از مجموع اشعار مخفی یک بیت را انتخاب کنید و در مورد آن چند سطر در کتابچه‌های خود بنویسید.



## ضرب المثلها



ما با نام ضرب المثل آشنا هستیم؛ زیرا در درس‌های قبلی مطلبی را زیر عنوان فولکلور و یا ادبیات عامیانه خواندیم که ضرب المثل هم جزء مهم آن به حساب می‌رود. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با فولکلور و ادبیات عامیانه، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با ضمیر مبهم در متن درس است. کی می‌تواند یک ضرب المثل بگوید؟

ضرب‌المثل‌های زبان دری جزء مهم ادب عامیانه است که به صورت عموم از یک فقره و یا یک جمله کوتاه ساخته شده است. در ضرب‌المثل‌ها، معانی دقیق و گسترده به صورت فشرده گنجانیده شده است. به تعبیر دیگر، ضرب‌المثل‌ها را نه تنها در عبارات‌ها و جمله‌های عامیانه؛ بلکه در لابلای کتاب‌ها و شعرهای شاعران نیز می‌توان یافت. در حقیقت ضرب‌المثل‌ها از نگاه ساختمان ظاهری و محتوای معنوی به مثابه کوزه‌یی است که بحری از معانی را در آنها گنجانیده اند. ضرب‌المثل‌های هر زبان نزد همه ملل جهان از جمله بزرگترین و با ارزشترین بیان فولکلوری همان ملت‌ها محسوب می‌شود. در زیر چند ضرب‌المثل زبان دری را با موارد استعمال آن می‌خوانیم:

۱. از کیسه خلیفه بخشیدن.

هر که پول نقد و یا جنسی را از مال دیگران به شخصی ببخشد.

۲. آب ناخواسته مراد است.

وقتی به کسی آب نوشیدنی پیش می‌کنید که طلب نکرده باشد. این عمل را فال نیک

گرفته، آن را می‌نوشد.

۳. پایت را به اندازه گلیمت دراز کن.

هر که از حد و توان و قدرت خویش، پا را بیشتر دراز کند و یا به کدام کار اقدام و یا ادعا کند؛ همچنین برای جلوگیری از اضافه خرجی و متوجه ساختن طرف مقابل به میانه‌روی و اقتصاد، مورد استعمال دارد.

۴. برگ سبز تحفه درویش.

هر گاه یکی به دیگری هدیه دهد و بخواهد از کمی و ناچیزی آن هدیه عذرخواهی کند،

گفته می‌شود. این ضرب‌المثل بر گرفته شده از بیت زیر است:

**چه کند بینوا ندارد بیش**

**برگ سبزیست تحفه درویش**

سعدی

۵. آب را نادیده موزه از پا کشیدن.

به کسی گفته می‌شود که کار ناسنجیده کند و حرف بدون تفکر بگوید و یا یک عمل

را پیش از وقت آن انجام دهد.

۶. آزموده را آزمودن خطاست.

وقتی یک شخص و یا یک شی یکبار آزموده و یا امتحان شده باشد آزمودن دوباره آن لازم نیست؛ زیرا باعث ضیاع وقت است.

۷. کور خود بینای مردم.

هر که عیب خود را نادیده بگیرد و عیب دیگران را بگوید.

۸. قصاب که زیاد شد، گاو مردار می‌شود.

وظیفه واحد را به دو کس سپردن.

## قواعد دستوری

### ◆ ضمیر مبهم

در این درس ضمیر مبهم را می‌خوانیم به مثال‌های زیر دقت کنید:

هر که پول نقد و یا جنسی را، از مال دیگران به شخصی ببخشد، می‌گویند از کیسه خلیفه بخشیدن.

هر گاه یکی به دیگری هدیه دهد و از کمی و ناچیزی آن هدیه عذر خواهی کند، می‌گویند برگ سبز تحفه درویش.

◆ هر که عیب خود را نادیده بگیرد و عیب دیگران را بگوید، می‌گویند کور خود بینای مردم.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (دیگران، هر که، یکی، دیگری) ضمیرهای مبهم‌اند.

ضمیر مبهم آنست که کسی یا چیزی را نامعین و نامشخص بیان کند؛

مانند: هر که آمد و عمارت نو ساخت، یکی رفت و دیگری آمد و....

## خلاصه درس

ضرب‌المثل‌های زبان دری جزء مهم ادب عامیانه است که از نگاه ساختمان ظاهری و محتوای معنوی درست به مثابه کوزه‌پی است که بحری از معانی را در آن گنجانیده‌اند. ضرب‌المثل‌های



هر زبان از جمله بزرگترین و با ارزشترین بیان فولکلوری ملت‌ها محسوب می‌شود.



## فعالیت‌ها

### ♦ فعالیت اول

- مورد استعمال ضرب‌المثل زیر را بگویید:  
(بار کج به منزل نمی‌رسد)
- ضرب‌المثل‌ها جزء مهم کدام ادب به حساب می‌روند؟
- از هر گروه دو تن یک ضرب‌المثل نو بگویند.
- مفهوم متن درس را به زبان خود بیان کنید.

### ♦ فعالیت دوم

- نکات مهم و ارزنده درس را یادداشت کنید.
- گروه‌ها فکر کنند و بگویند که در ضرب‌المثل زیر منظور از مراد چیست:  
آب ناخواسته مراد است.
- ضمیرهای مبهم را در جمله زیر مشخص کنید:  
یکی رفت و دیگری آمد.
- گروه‌ها متن درس را املا بنویسند.
- کلمه‌های جدید درس را روی تخته بنویسید و معنی کنید.
- گروه‌ها درمورد ضرب‌المثل زیر، دو سطر بنویسند:

هر که نان از عمل خویش خورد      منت حاتم طایی نبرد



## کارخانه‌گی

هر کدام از شاگردان پنج ضرب‌المثل نو در کتابچه‌های خود بنویسند و مفهوم آن‌ها را در چند سطر خلاصه نمایند.

## حکایت



بهارستان جامی کتابی است به نثر فارسی دری، که تألیف شاعر و عارف بزرگ مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی می‌باشد. در این درس دو حکایت شیرین کتاب بهارستان این بزرگ مرد شعر و ادب را انتخاب کرده ایم که مطالب خوبی را از آنها می‌آموزیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با کتاب بهارستان، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با ضمیر مشترک در متن درس است.

حالا بگوئید که جامی کی بود؟

## نگاه دزدانه

فاضلی به یکی از دوستان صاحب راز خود نامه می‌نوشت. شخصی پهلوی او ننشسته بود و به گوشه چشم نوشته او را می‌خواند. بر وی دشوار آمد، بنوشت: اگر در پهلوی من دزدی ننشسته بودی و نوشته مرا نمی‌خواندی، همه اسرار خود بنوشتمی. آن شخص گفت: والله مولانا، من نامه تو را نمی‌خواندم، گفت: ای نادان پس از کجا دانستی که یاد تو در نامه است؟

## شاعر دزد

روزی انوری در بازار بلخ می‌گشت، هنگامه‌یی دید. پیش رفت و سری در میان کرد. مردی را دید که ایستاده و قصاید انوری را به نام خود می‌خواند و مردم او را آفرین می‌خواندند. انوری پیش رفت و گفت: ای مرد، این اشعار کیست که می‌خوانی؟ گفت: اشعار انوری. گفت تو انوری را می‌شناسی؟ گفت: چه می‌گویی؟ انوری منم! انوری بخندید و گفت: شعر دزد شنیده بودم؛ اما شاعر دزد ندیده بودم.



### ◆ ضمیر مشترک

به جمله‌های زیر دقت نموده و ضمیر مشترک آنها را مشخص کنید:

- ◆ فاضلی به یکی از دوستان صاحب راز خود نامه می‌نوشت.
- ◆ اگر پهلوی من دزدی ننشسته بودی و نوشته مرا نمی‌خواندی، همه اسرار خود بنوشتمی.

◆ مردی را دید که ایستاده و قصاید انوری به نام خود می‌خواند.

◆ کتاب خویش را گرفت.

◆ خویشتن را ملامت کرد.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (خود، خویش و خویشتن) ضمیرهای مشترک اند.

ضمیر مشترک، جای اسم به کار می‌رود و برای مفرد و جمع یکسان استعمال

می‌شود.

ضمیرهای مشترک در زبان دری عبارت از: خود، خویش و خویشان می‌باشد.

مثلاً:

خود گفتم	خود گفتمی	خود گفتید	خود گفت
خوادم گفتم	خودتان گفتمی	خودتان گفتید	خودشان گفتند
من خود گفتم	تو خود گفتمی	شما خود گفتید	او خود گفت
خود من گفتم	خود ما گفتیم	خود شما گفتید	خود او گفت

اما ضمیرهای مشترک خویش و خویشان استعمال کمتر داشته، به تنهایی و بدون ضمیر شخصی و پسوند ضمیری به کار می‌رود؛ مانند:

خانهٔ خویش را فروختیم.	خانهٔ خویش را فروختی.	خانهٔ خویش را فروختید.	خانهٔ خویش را فروختند.	خانهٔ خویش را فروخت.	خانهٔ خویش را فروخت.
عزت خویشان را نگاه داریم.	عزت خویشان را نگاه داری.	عزت خویشان را نگاه دارید.	عزت خویشان را نگاه دارند.	عزت خویشان را نگاه دار.	عزت خویشان را نگاه دار.

## فعالیت‌ها

### ◆ فعالیت اول

- چرا آن شخص فاضل نتوانست همهٔ اسرار خود را بنویسد؟
- در جملهٔ زیر منظور از کلمهٔ بنوشتمی چیست:  
همهٔ اسرار خود بنوشتمی.
- نامهٔ کسی را دزدانه خواندن، چه نوع عمل است؟
- فکر کنید و بگویید که برای هر دو حکایت چه عنوان‌هایی را مناسب می‌دانید؟

## ◆ فعالیت دوم

- گروه‌ها کلمه‌های جدید درس را از یکدیگر بپرسند؛ طوری که یک گروه کلمه را بلند بخواند و گروه دیگر معنای آن را بگوید.
- یک تن از هر گروه ضمیرهای مشترک متن درس را روی تخته بنویسد.
- هر گروه یک جمله بنویسد که ضمیر مشترک در آن به کار رفته باشد.
- درمورد هر یک از تصویرهای زیر دو جمله بنویسید:



.....

.....



برداشت تان را از مفهوم درس در سه سطر در کتابچه‌های خود بنویسید:



## کمپیوتر



در این درس با کمپیوتر، تاریخچه مختصر و اهمیت آن در زنده‌گی آشنا می‌شویم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با کمپیوتر، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با عدد، عدد ترتیبی، اصلی و ترکیبی در متن درس است.

کمپیوتر از زمان پیدایش تا حال مسیر طولانی را در مدت محدودی طی کرده است قبل از پیدایش کمپیوترهای امروزی، وسایل محاسباتی مختلفی ساخته شده بود که قدیمی ترین آن چوت است که با آن محاسبات ریاضی را انجام می دادند، بعد از چندین سال ماشین حساب اختراع شد و همین طور طی قرن ها علم پیشرفته تر شد و این بار ماشین جدیدی به نام کمپیوتر به بازار آمد که پیشرفت زیادی در علم و صنعت داشت و این مغز متفکر جای تمام ماشین های حساب دنیا را گرفت؛ نخستین کمپیوتر در سال ۱۹۴۶ میلادی توسط یک تیم به سرپرستی اکرت مچلی ساخته شد.

کمپیوتر در لغت به معنای شمارنده و یا ماشین حساب است و وسیله یی است که قادر به انجام محاسبات پیچیده و تصمیم گیری های منطقی با سرعت میلیون ها بار سریعتر از انسان می باشد؛ برای مثال: امروز کمپیوترها می توانند صدها میلیون محاسبه ها را در عرض چند ثانیه انجام دهند؛ در حالی که یک حسابدار برای انجام چنین کاری شاید به ده ها سال وقت احتیاج داشته باشد که سر انجام نتیجه اش هم مطمئن نمی باشد، که آیا این حسابدار به راحتی تمام عملیات را درست انجام داده است یا این که اشتباه کرده است.

کمپیوتر از چهار قسمت اساسی ساخته شده است:

۱. CPU (بخش پردازنده مرکزی): این بخش مغز کمپیوتر است و حافظه های دستگاه

را در خود دارد.

۲- Monitor (نمایشگر): این نمایشگر به یک تلویزیون کوچک می ماند؛ اما کار دیگری

را انجام می دهد. ما بر صفحه یی نمایشگر، آن چه را که از کمپیوتر می خواهیم انجام می دهد، مانند این که واژه ها را جابجا می کند، تصویری را کوچک یا بزرگ می سازد، می بینیم.


۳. Keyboard (صفحه کلید) این صفحه به یک ماشین حروف نگاری می ماند؛ اما

کلیدهای مخصوصی نیز برای سایر کارها دارد. ما از صفحه کلید برای وارد کردن حرف ها، عددها و فرمان ها به کمپیوتر بهره می گیریم.

۴. Mouse (موس) که توسط آن کمندها (فرمان ها) را اجرا می نماییم، کمپیوتر تمام



کارهای ما را در حافظه خود نگه میدارد و هر وقت که بخواهیم دوباره آنرا به دست آورده و تغییر داده می‌توانیم.



**عدد** ♦

در درس گذشته با ضمیر و انواع آن آشنایی پیدا کردید، در این درس می‌خواهیم با یک قاعده دستوری دیگر که در معاملات روزانه از آن خیلی استفاده می‌نماییم آشنا شویم که آن عبارت از عدد است. عدد در زبان دری پنج گونه است که هر کدام آنرا به طور مختصر خواهیم خواند.

**عدد:** عدد آنست، که شماره را بیان کند، و چیزی را که شمرده شود (معدود) گویند؛ مانند: دو میز، چهار کتاب که (دو و چهار) عدد و (میز و کتاب) معدود می‌باشد.

۱. **اعداد ترتیبی یا وصفی:** آنست، که درجه و مرتبه معدود را می‌رساند؛ مانند: اول، دوم که آنرا (اولین) و (دومین) نیز استعمال کرده‌اند. این نوع عدد را می‌توان قبل از معدود و یا بعد از آن نوشت؛ مانند:

اولین شاگرد - شاگرد اولین یا اول شاگرد - شاگرد اول

۲. **اعداد اصلی:** اعدادی اند که از یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد... هزار. این اعداد را ساده یا مطلق نیز گویند.

۳. **اعداد ترکیبی:** به اعدادی گفته می‌شود که از ترکیب دو عدد تشکیل شده باشد؛ مانند: دوازده، بیست، سی و پنج، نود و یک، ششصد، دو هزار و...

کامپیوتر در لغت به معنای شمارنده و یا ماشین حساب است و وسیله‌ی است که قادر به انجام محاسبات پیچیده و تصمیم‌گیری‌های منطقی با سرعت میلیون‌ها بار سریعتر از انسان می‌باشد.

کامپیوتر از زمان پیدایش تا حال مسیر طولانی را طی کرده است؛ قدیمی‌ترین آن چوت است. نخستین کامپیوتر در سال ۱۹۴۶ میلادی توسط یک تیم به سرپرستی اکرت‌ماچلی ساخته شد.

### ◆ فعالیت اول

- قدیمی‌ترین وسیلهٔ محاسباتی چه بوده است؟
- نخستین کامپیوتر در یکی از سال‌های زیر ساخته شده است:
 

الف) ۱۹۴۹	ب) ۱۹۶۴
ج) ۱۹۵۴	د) ۱۹۴۶
- کامپیوتر چگونه یک ماشین است؟ توضیح دهید.
- در جملات زیر عدد را نشان دهید:
- کتاب‌درسی صنف هفتم دارای بیست و هشت عنوان درس است.
- یک صنف درسی باید ۲۵-۳۵ شاگرد داشته باشد.
- وظیفهٔ کیبورد چیست؟
- عدد اصلی به کدام اعداد گفته می‌شود؟

## ◆ فعالیت دوم

- کامپیوتر از چند بخش اساسی ساخته شده است؟
- الف) دو بخش
- ب) پنج بخش
- ج) چهار بخش
- د) شش بخش
- اعداد زیر نماینده‌گی از کدام اعداد می‌کنند:  
سومین، چهارم، هفتم، دهمین، پنج، سه، هفت، سی، چهل، نهم، شصت، صد، هزار، دوازده، پنجاه، نود و یک، ششصد، دو هزار
- جمله‌ی زیر مربوط به کدام بخش از کامپیوتر می‌شود:  
توسط آن کمندها (فرمان‌ها) را اجرا می‌نماییم.
- برای اعداد ترتیبی، اصلی و ترکیبی دو جمله بنویسید.
- در مورد مفهوم درس در گروه‌های خود بحث کنید و آن را در سه سطر بنویسید.
- در جمله‌های زیر عدد و معدود را نشان دهید:  
در صنف ما چهل و پنج شاگرد درس می‌خوانند.  
موضوع درس نهم ما کامپیوتر است.
- چه فکر می‌کنید، آیا کامپیوتر می‌تواند در کارهای روزانه‌ی ما سهولت ایجاد کند؟





در مورد ارزش کامپیوتر در زندگی یک مطلب بنویسید که اعداد نیز در آن به کار رفته باشد.

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....

.....

## شایق جمال



در این درس با یک تن از شاعران معاصر کشور، شایق جمال آشنا می‌شویم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با شاعران معاصر، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با عدد توزیعی و کسری در متن درس است. بگویید که شایق جمال از کجا بود؟

شایق جمال یکی از شعرا و نویسندگان معروف افغانستان است. اسم او میر غلام حضرت فرزند حافظ میر جمال الدین و از بازماندهگان میر واعظ کابلی شاعر و عارف وارسته کشور است.

این شاعر گرنامه‌ی در سال ۱۲۷۵ هـ. ش. در شهر کابل زاده شد، تعلیمات ابتدایی را نزد پدر کلان مادری خود فرا گرفت، در لیسه حبیبیه و دارالمعلمین کابل تحصیل کرد و با گرفتن شهادتنامه درجه اول به شغل معلمی و سرمعلمی در مکاتب ابتداییه کابل پرداخت. شایق جمال سال‌های طولانی به تدریس علم و پرورش فرزندان وطن مشغول بود و در این عرصه خدمات قابل قدری انجام داد. او از استعداد خاصی برخوردار بود، هجده پاره قرآن کریم را حفظ داشت، زبان و ادبیات دری و عربی را از نزد دانشمند نامور کشور مرحوم قاری عبدالله فرا گرفت.

او در سال ۱۳۰۰ هـ. ش. در حالیکه هنوز پانزده ساله بود به سرایش شعر و کار علمی و ادبی پرداخت. نخستین شعرش در جریده سراج‌الخبار و دیگر اشعارش در جراید امان افغان، اصلاح و انیس وقت به نشر رسیده است.

وی علاوه بر آن که شاعر نازک خیال بود به هنر نویسندگی، خوشنویسی، رسامی و موسیقی نیز مهارت داشت؛ چنانچه مجموعه آثار خود را که مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات و قسمتی هم به نثر بوده به خط زیبای خود گرد آورده بود که بخش‌هایی از آن به نام دیوان اشعار شایق جمال در سال ۱۳۳۴ هـ. ش. به چاپ رسیده است.

شایق جمال از شاعران بذله‌گوی، طنز پرداز و بدیهه‌سرای معروف قرن حاضر است که از حاضر جوابی و مطایبات دلنشین او همواره به طور شفاهی و یا هم به گونه مکتوب در حوزه‌های علمی و فرهنگی کشور یاد شده است که خوشبختانه در سال‌های آخر شماری از طنزها و مطایبات او به نام لطایف و ظرایف گردآوری شده و در سال ۱۳۸۳ هـ. ش. به چاپ رسیده است.

شایق شاعر وطن دوست و با احساس بود، موضوعات اشعار او را مسایلی؛ چون: وطن‌دوستی، تأمین عدالت اجتماعی، تعلیم مفاهیم اخلاقی، آزادی خواهی، صلح‌دوستی و

اتحاد تشکیل می‌دهد. او مدح و تملق‌گویی را به نظر نفرت می‌دید؛ چنانچه خود گوید:  
مغرور دست بوسی اهل جهان مباش شایق به اعتقاد کسان اعتبار نیست  
استاد خلیل‌الله خلیلی که خود از معاصران شایق جمال و یکی از استادان ارکان  
ادبیات، به ویژه شعر معاصر دری شمرده می‌شود، اشعار دلنشین شایق را ستوده و او را  
شاعر نازک‌خیال خطاب کرده است.

شایق جمال سرانجام در اسد سال ۱۳۵۳ هـ. ش. جهان فانی را وداع کرد و او را در  
جوار زیارت شاه دو شمشیره رحمه‌الله علیه به خاک سپرده اند.

### نمونه کلام

#### حسن عمل

تا کی از نام پدر، تاج زنی بر سر خویش  
باش از حسن عمل، خود پدر و مادر خویش  
خو شتر از اطلس و دیبای کسانش بشمر  
کهنه کز آبله دست کنی در بر خویش  
نروی تا به در هر کس و ناکس روزی  
سایل مفلس و محتاج مران از در خویش  
معنی دین و دیانت به خدا چیزی نیست  
غیرهمدردی و امداد به همدیگر خویش  
کی خلاصت کند از کشمکش روز جزا  
این همه تکیه که داری به سیم و زر خویش  
با همه لطف و کرم کن به مروت پیش آی  
تا کشی شاهد مقصود تو هم در بر خویش  
داده از بسکه ز افلاس فشارم گردون  
می‌کنم کوچه غلط از همه تا دلبر خویش



حرف دانش نرنی هیج به بزم جهلا

پیش کوران نبری آب رخ گوهر خویش

واعظی نیست به وضع تو مناسب شایق

همه واقف شده امروز ز خیر و شر خویش

## قواعد دستوری

### ♦ عدد توزیعی و عدد کسری

در درس گذشته با عدد اصلی و عدد توصیفی آشنایی پیدا کردیم. در این درس می‌خواهیم دربارهٔ عدد توزیعی و عدد کسری معلومات حاصل نماییم.

عدد توزیعی: تقسیم معدود را به بخش‌های مساوی نشان می‌دهد و از تکرار اعداد اصلی ساخته می‌شود؛ مثلاً: دو دو، پنج پنج، هفت هفت و نظایر آن. به هر کدام دو دو هزار افغانی رسید.

یا به غرض اختصار: به هر کدام دو دو هزار رسید.

یا برای جلوگیری از تکرار: به هر کدام دو هزار رسید.

اگر معین‌کننده مختوم به اول باشد به جای *ی* / *آن* / *بی* / *می‌آید*؛ مثلاً: به هر

کدام دوتایی رسید یا چهار دانه‌یی رسید...

همچنان بعضاً معین‌کننده هم نمی‌آید و پسوند *ی* / *با عدد می‌پیوندد*؛ مثلاً:

کتاب‌ها را بیستی خرید، یعنی بیست بیست افغانی خرید.

عدد کسری: آن است که جزء از عدد اصلی را نشان می‌دهد. این گونه عدد در

زبان دری به چند صورت گفته می‌شود؛ طور مثال:

پنج یک (یک بر پنج) شش یک (یک بر شش) هشت یک (یک بر هشت)

یا: یک بر پنج، سه بر چهار، پنج بر هفت.

یک هشتم حصه کتاب گلستان دربارهٔ اخلاق درویشان است.  
دفتر اول یک ششم حصه کتاب مثنوی مولوی را تشکیل می‌دهد.



## خلاصهٔ درس

شایق جمال یک تن از شعرا و نویسندگان معروف افغانستان است. او در سال ۱۲۷۵ هـ ش. در شهر کابل به دنیا آمد. دروس ابتدایی را در لیسهٔ حبیبیه به اتمام رسانید. او از ذوق و استعداد خاصی برخوردار بود که حتی در ۱۵ سالگی به سرایش شعر و کار ادبی پرداخت و اشعار او در جراید همان روزگار به نشر می‌رسید. شاعری بذله‌گو، طنز پرداز و بدیهه‌سرا بود که اکثر اشعار او را مسایلی چون وطن‌دوستی، تأمین عدالت اجتماعی، آزادی خواهی و صلح دوستی تشکیل می‌دهد. او سرانجام در سال ۱۳۵۳ هـ ش. جهان فانی را وداع گفت.



## فعالیت‌ها

### ◆ فعالیت اول

- شایق جمال در چه هنرهایی مهارت داشت؟
- شایق جمال چگونه شاعری بود و مسایل شعری او را چه موضوعاتی تشکیل می‌داد؟
- عدد توزیعی چیست؟ دو مثال خارج از درس بگویید.
- در مورد بیت زیر با هم بحث کنید و نمایندهٔ هر گروه نتیجه را در مقابل صنف بیان

کند:

تا کی از نام پدر، تاج زنی بر سر خویش      باش از حسن عمل، خود پدر و مادر خویش

## ♦ فعالیت دوم

- از نکات مهم درس پنج سؤال تهیه نمایید.
- جاهای خالی زیر را کامل کنید:  
با همه..... و کرم  
کن به..... پیش آی  
تا کشی..... مقصود  
تو..... در بر خویش
- دو جمله بنویسید که در آن عدد کسری به کار رفته باشد.
- گروه‌ها متن درس و نمونه کلام شایق را بخوانند و مفهوم آن را نمایندۀ هر گروه در مقابل همه بیان کند.
- به نظر شما کدام بیت نمونه کلام شایق جمال زیباست؟



دو بیت از نمونه کلام شایق را انتخاب و در مورد آن سه سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



## شعر تعلیمی



در این درس شعر و تعریف آن، فرق میان شعر و نظم و شعر تعلیمی را می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با شعر، شعر تعلیمی و قواعد نگارشی از جمله «پاراگراف» در متن درس است؛ پس بگویید که کدام شاعر ما بیشتر اشعار تعلیمی سروده است؟



شعر دانی چیست؟ مُرواریدی از دریای عقل  
شاعر، آن افسونگری کاین طرفه مروارید سفت  
شعر، آن باشد که خیزد از دل و جو شد زلب  
باز در دلها نشیند هر کجا گوشی شنفت  
ای بسا شاعر که او در عمر خود نظمی نساخت  
وای بسا ناظم که او در عمر خود شعری نگفت

محمدتقی بهار

شعر کلمهٔ عربی است که معنای دانستن، دریافتن و درک کردن را می‌رساند. شعر در کنار نظم و نثر نوع سوم ادب را تشکیل می‌دهد. در تعریف مناسب از شعر به خیال انگیز بودن آن توجه شده است؛ اما اساساً شعر با نظم فرق دارد و تفاوت آنها در این است که: شعر طبق تعریف علمی و دقیق امروزی «گره خورده‌گی عاطفه و تخیل است که در زبان آهنگین شکل گرفته باشد»؛ بنابراین تعریف، عناصر سازندهٔ شعر عبارت است از: عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی و تشکل؛ اما نظم، تنها، کلام موزون و مقفی و از عنصر عاطفه و تخیل به دور است؛ مثلاً: شعرا چهره‌های زیبا را به گل و به مهتاب خیال انگیزی می‌کنند.

شعر از نظر محتوا اقسام مختلف دارد که یکی از اقسام آن شعر تعلیمی است که آن را می‌توان چنین تعریف کرد:

شعر تعلیمی یا پندآموز، شعری است که هدف شاعر در آن آموزش خواننده است؛ بنابراین تعریف، تمامی اشعار دینی، اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی، علمی، ادبی، هنری و... شامل شعر تعلیمی می‌شود. نظر به تعریف، شعر تعلیمی را می‌توان به دو نوع تقسیم‌بندی کرد؛ نوع اول که موضوع آن خیر و نیکی است (حوزه اخلاق) و نوع دوم که موضوع آن آموزش علوم است (حوزه شعرهایی که مسأله‌یی از علم را می‌آموزند).

مثنوی مولانا و بوستان سعدی از نمونه‌های بارز و برجستهٔ شعر تعلیمی به شمار می‌آیند.

نمونه شعر تعلیمی از بوستان سعدی:

بخواهد گذشت این دم چند نیز	دریغا که بگذشت عمر عزیز
ور این نیز هم در نیابی گذشت <sup>۲</sup>	گذشت آنچه در ناصوابی <sup>۱</sup> گذشت
گر امید داری که خرمن بری	کنون وقت تخم است اگر پروری
نه آنگه که سیلاب از سرگذشت	کنون کوش کآب از کمر در گذشت
زبان در دهان است عذری بیار	کنونت که چشم است اشکی بیار
نه همواره گردد زبان در دهن	نه پیوسته باشد روان در بدن <sup>۳</sup>
که بی مرغ قیمت ندارد قفس	غنیمت شمر این گرامی نفس



۱. کارهای بد و نادرست
۲. اگر زمان حال را متوجه نشوی، مانند دوران گذشته در گناه و کارهای نادرست می‌گذرد و سپری می‌شود.
۳. روح در جسم آدمی همیشه نمی‌ماند و یک روز بدن انسان خالی از روح می‌شود یعنی مرگ سراغش می‌رسد.



## ◆ نشانه گذاری

نشانه‌گذاری که نقطه‌گذاری یا تنقیط نیز گفته شده است، عبارت از به کار بردن نشانه‌ها و علامات خاصی است، برای بهتر فهماندن مقصود، آسانی و روانی در خوانش؛ بنابراین به کاربرد آنها در جاهای مناسب امریست ضروری.

هدف مهم نشانه‌گذاری، صراحت و وضاحت مفهوم جمله‌ها و عبارات است، تنقیط نشان می‌دهد که کلمه‌های یک جمله - از نظر نشانه‌گذاری - چگونه پهلوی هم قرار بگیرد، تا معنای آن به آسانی فهمیده شود. از جمله نشانه‌گذاری یکی آن پاراگراف است که در این درس با آن آشنا می‌شویم.

**پاراگراف:** نوشتن آن چه در چاپ و در نوشته‌های امروزی و چه در مکتوب‌های رسمی و خصوصی بزرگترین اهمیت را دارا است.

پاراگراف - نظر به سطرهای دیگر، یک و نیم سانتی متر به طرف داخل صفحه شروع می‌شود.

پاراگراف را در صنف‌های درسی (سرسطر) در مطبعه‌ها (شروع) می‌گویند، از نظر نشانه‌گذاری هر پاراگراف مطالب کاملی را که متشکل از چندین فکر (چندین جمله) است، نشان می‌دهد.

شعر به معنای دانستن، دریافتن و درک کردن است و فرق آن با نظم در این است که شعر علاوه بر موزون و مقفی بودن، مخیل نیز است؛ ولی نظم موزون و مقفی است عاری از عنصر خیال‌انگیزی؛ همچنین شعر تعلیمی به شعری گفته می‌شود که مسایلی چون: دینی،



اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی، علمی، ادبی و هنری را در برداشته باشد. علاوه بر این هدف مهم نشانه‌گذاری صراحت و وضاحت مفهوم جمله‌ها و عبارات است و پاراگراف نظر به سطرهای دیگر یک و نیم سانتی متر به طرف داخل صفحه شروع می‌شود.



### ◆ فعالیت اول

- فرق میان شعر و نظم در چیست؟
- شعر تعلیمی به کدام نوع شعر گفته می‌شود؟
- در مورد بیت زیر در گروه‌های خود باهم مباحثه کنید و نماینده هر گروه نتیجه را مقابل صنف بیان کند:

**کنون وقت تخم است اگر پروری      گر امید داری که خرمن بری**  
نشانه‌گذاری در نوشتن چه اهمیت دارد؟

### ◆ فعالیت دوم

- مفهوم درس را با زبان ساده بیان کنید.
- متن درس را بخوانید و بگویید که کلمه شعر چند بار در این درس به کار رفته است؟

- جاهای خالی زیر را کامل کنید:

پاراگراف که.....به سطرهای دیگر.....متر به طرف.....داخل  
صفحه شروع می‌شود.

- یک بیت را از متن درس انتخاب نموده و در مورد آن دو سطر بنویسید.

- خواندن اشعار تعلیمی در روند زنده‌گی ما چه تأثیر دارد؟



از مثنوی مولانا یک قطعه شعر تعلیمی را انتخاب کنید، در کتابچه‌های تان بنویسید و در صنف بخوانید.

.....

.....

.....



.....

.....

.....



## درخت بقا



مثنوی معنوی اثر عرفانی سروده مولانا جلال الدین محمد بلخی است. مثنوی شامل شش دفتر و حدود بیست و شش هزار بیت می‌باشد. این اثر، عالی‌ترین منظومه تعلیمی صوفیه در سراسر قلمرو شعر دری به حساب می‌رود. در این درس یک حکایت شیرین زیر عنوان درخت بقا از این کتاب انتخاب کرده‌ایم که مطالب بسیار خوبی را از آن می‌آموزیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با مثنوی معنوی و قواعد نگارشی از جمله «علامت نقطه» در متن درس است.

حاکمی را خبر می‌دهند از درختی عجیب در هندوستان، که میوه‌اش زنده‌گی جاودان می‌بخشد.

حاکم یکی از نزدیکان خود را برای جستجوی درخت و چیدن میوه آن راهی هندوستان می‌کند. مأمور از جستجوی بسیار خود به نتیجه نمی‌رسد و با هر کس که در این باره گفتگو می‌کند، با تمسخر و تعجب روبه‌رو می‌شود.

آخر الامر چون می‌داند که نشانی از آن درخت نخواهد یافت، مایوس از طلب، قصد بازگشت می‌کند؛ اما پیش از آن که بار سفر ببندد، با شیخ دانشمندی روبه‌رو می‌شود و با شگفتی از او پاسخ می‌شنود که درخت بقا همان «درخت علم» است.

شیخ خندید و بگفتش ای سلیم  
تو به صورت رفته‌یی ای بی‌خبر  
این درخت علم باشد ای علیم  
زان، ز شاخ معنی ای، بی‌بار و بر  
گه درختش نام شد، گه آفتاب  
گه بحرش نام شد، گاهی سحاب  
آن یکی کیش صد هزار آثار خاست  
کم‌ترین آثار او عمر بقاست

مثنوی معنوی



### قواعد نگارشی

#### ◆ نقطه [.]

الف: در پایان جمله‌هایی که پرسشی، ندایی و تعجبی نباشد، گذاشته می‌شود؛ مانند جمله‌های زیر:

حاکمی را خبر می‌دهند از درختی عجیب در هندوستان، که میوه‌اش زنده‌گی جاودان می‌بخشد.

مایوس از طلب، قصد بازگشت می‌کند.

فرزانه از سفر برگشته است. احسان پسر هوشیاری است.

ب: پس از مخففات نیز گذاشته می‌شود؛ مانند:

شایق جمال در سال ۱۲۷۵ هـ. ش. چشم به جهان گشود.

علم را به چیزهای مختلفی تشبیه کرده‌اند، گاه به درخت، گاه به آفتاب، گاه به بحر و گاهی هم به سحاب؛ اما حقیقت آن یک چیز است که برای رسیدن به آن حقیقت، باید از بند مادیات بیرون آمد، تا از ثمره و بارش بهره برد.

### ◆ فعالیت اول

- آن شخص به خاطر چه کاری راهی هندوستان شد؟
  - آیا آن شخص موفق به چیدن میوه‌یی از درخت بقا شد؟
  - منظور از بیت زیر چیست:
- شیخ خندید و بگفتش ای سلیم      این درخت علم باشد ای علیم

- کلمه‌یی که پیام اصلی و اساسی درس را تشکیل می‌دهد، چیست؟
- فکر کنید و بگویید که مراد از درخت بقا چیست؟

### ◆ فعالیت دوم

- دو تن از هر گروه متن درس را با صدای بلند و مناسب بخوانید و کلمه‌ها را درست تلفظ کنید
- متن شعر را به صورت مقایسوی با لحن و آهنگ مناسب بخوانید؛ طوری که از هر گروه یک شاگرد بخواند و دیگران تشویقش نمایند.

• دو جمله بنویسید که نقطه در آنها به کار رفته باشد.

• ارتباط شعر زیر را با درس بگویید و برداشت خود را در سه سطر بنویسید:

ز نادانی نیابی زنده‌گانی

نبینی از جهان در دل ملالی

چوبی کاری، یقین بی‌مزدمانی

ناصر خسرو قبادیانی

ز دانش زنده‌مانی جاودانی

نماند بر تو پنهان هیچ حالی

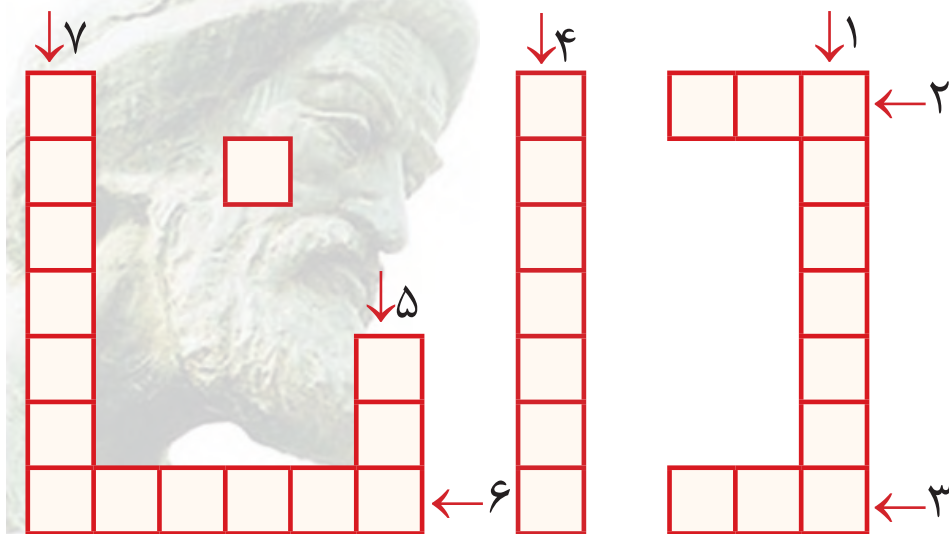
اگر کاری کنی، مزدی ستانی

• جدول زیر را حل کنید:

۱. عنوان همین درس. ۲. یکی از زبان‌های رسمی کشور ما. ۳. قدر، منزلت، احترام.

۴. به علما و بزرگان گفته می‌شود. ۵. آنچه روح را جاوید می‌کند. ۶. راز و نیاز به درگاه

خداوند ﷻ. ۷. جمع مکالمه، گفتگوها.



پیام درس را خلاصه نمایید و جای گذاشتن نقطه را در آن مشخص نموده در

کتابچه‌های تان بنویسید.



## دکتر عبدالاحمد جاوید



در این درس شرح مختصری از زنده‌گی، آثار و نمونه کلام نثر استاد عبدالاحمد جاوید نویسنده توانای ادب دری را می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با نویسندگان ادبیات دری و قواعد نگارشی از جمله «علامت کامه» در متن درس است.

داکتر جاوید شاعر بود یا نویسنده؟



در میان نویسندگان و دانشمندان دهه‌های اخیر کشور، پوهاند دکتور عبدالاحمد جاوید از چهره‌های معروف و سرشناس افغانستان است. او در ثور سال ۱۳۰۴ هـ ش. در باغ علیمردان کابل زاده شد. پدرش میرزا عبد الصمد به آموزش و پرورش وی سخت علاقه‌مند بود.

جاوید در سال ۱۳۲۴ هـ ش. از لیسه عالی حبیبیه فارغ شد و در سال ۱۳۲۹ هـ ش. از دانشکده (پوهنخی) زبان و ادبیات و حقوق دانشگاه (پوهنتون) تهران به اخذ سند لیسانس موفق گردید؛ سپس دکتورای خویش را نیز در رشته زبان و ادبیات از دانشگاه (پوهنتون) تهران به دست آورد.

جاوید مدت طولانی را به حیث استاد در پوهنتون کابل و مدتی در دانشگاه تاشکند (ازبکستان) خدمت نمود و بعد از آن به ریاست انتخابی دانشگاه کابل و عضو آکادمی علوم افغانستان برگزیده شد. او با نشرات رادیو افغانستان و تألیف کتب درسی وزارت معارف نیز همکاری داشت و به پاس خدمات ارزنده خود به مدال‌های افتخار، پوهنه و فداکاری و جوایز متعدد مطبوعاتی دیگر دست یافت.

دکتور جاوید در تعلیم و تربیه هزاران جوان کشور نقش ارزنده داشت. او به اثر جنگ‌های تحمیلی چند دهه اخیر مجبور شد تا مدتی در هندوستان؛ سپس به انگلستان زنده‌گانی کند. وی در شرایط دوری از وطن نیز به تألیف مقالات علمی و کتب تحقیقی پرداخت و نهاد علمی را به نام «آکادمی افغان» در شهر لندن تأسیس کرد. استاد در طول زنده‌گی پربار علمی و فرهنگی خویش در سیمینارها، کنفرانس‌ها و محافل متعدد ملی و بین‌المللی به طور فعال و هدفمند شرکت نموده بود.

او علاوه بر نگارش مقالات گوناگون علمی و تحقیقی و نشر آن‌ها در مجلات علمی کشور و ممالک همسایه و کشورهای اروپایی به تألیف کتب متعدد علمی و ادبی پرداخته بود که شماری از آن؛ چون: اوستا، نوروز خوش‌آیین، رایحه صلح در فرهنگ ما و مدارا و مروت در فرهنگ فارسی دری چاپ شده و بعضی از آن‌ها متأسفانه تا هنوز به چاپ نرسیده است.

سرانجام پوهاند دکتور عبدالاحمد جاوید در اسد سال ۱۳۸۱ هـ ش. در شهر لندن وفات یافت و در شهدای صالحین کابل به خاک سپرده شد.

## نمونه نثر جاوید

### آیین‌های نوروزی در شهر کابل

در کابل از قدیم یک ماه پیشتر از فرارسیدن نوروز مردم به پیشواز بهار و پذیرایی از سال نو هر جمعه بیرون شهر می‌روند و با جمع شدن در محل خاص به سیر و گردش و شور و سرور می‌پردازند و با پختن غذاهایی؛ مانند: سبزی، ماهی و جلبی و تهیه انواع سرگرمی‌ها از نوروز خوش آیین استقبال می‌کنند.

نام قدیم باغ بابر «باغ نوروزی» بود. از زمانی که بنابر وصیت بابر جنازه او را از آگره هندوستان به کابل آوردند و در این باغ دفن کردند معروف به باغ بابر شد.

از دیگر جاهایی که مردم در روز نوروز جمع می‌شوند، دامنه کوه خواجه صفاست، با درخت‌های خوشرنگ ارغوانش و همچنین باغ معروف چهلستون با شگوفه‌های عطرآگین بادامش.

مردم در ایام بهار دسته دسته در این باغ مخصوصاً موسم شگوفه بادام و گل ارغوان می‌آیند و در سایه فرحبخش درختان می‌نشینند. کباب دashi می‌پزند و قیماق چای را با کلبه‌های نمکین و یا شیرین نوش جان می‌کنند.

از قدیم در شهر کابل به پیشواز بهار کوچه‌ها، خیابان‌ها و جاده‌ها را فراز تا فرود پاک می‌کردند؛ خانواده‌ها خانه تکانی می‌کردند؛ مخصوصاً اجاق و دیگدان آشپزخانه را رنگ می‌کردند؛ تا برکت آورد... اهالی شهر پیش از تاریکی، چراغ روشن می‌کردند؛ دکانداران دکانهای خود را چراغان می‌کردند. خوب به یاد دارم رسته‌های دکان‌های چارچته، شور بازار، چهارسو و یا چهارسوق ارگ را با انواع آئینه‌های بلور، منظره‌ها، تصویرها، قالیچه‌ها، چلچراغ‌ها و حتی کشکول و تبرزین و پوست پلنگ آراسته می‌کردند و قناری‌های خوش‌آواز پشت میله‌های قفس چهچه می‌زدند.

دکانداران با شربت‌های خوشمزه و شربنی‌های گوناگون و کلبه‌های نوروزی و حتی

هفت میوه و ایراد مطایبه‌ها و شوخی‌ها از آشنایان و دوستان پذیرایی می‌کردند. شب‌ها با شمع و مشعل، فانوس و مهتابی همه جا روشن می‌بود. از مدت‌ها پیش شیرینی پزها کلچه پزها، نخود پزها، حلوای مغزی، سوهانک، حلوای پشمک، شیرپیره... درست می‌کردند. سبزی فروش‌ها انواع سبزی، ترکاری مخصوصاً سبزی اسفناج (پالک) را که نشانهٔ سرسبزی و خرمی بود به مشتریان عرضه می‌کردند.

نوروزخوش آیین



### ◆ کامه یا ویرگول (،)

این نشانه (،) که در مطابع ما به نام ویرگول یاد می‌شود، جهت توقف خفیف در خواندن جمله، از نظر تغییر صوت یا تصریح مفهوم به کار برده می‌شود؛ مانند: هرگاه چند کلمه یا عبارت پهلوی هم بیایند، باید توسط (و) های عطف بهم پیوند یابند.

۱- در همچو موارد(و) ها حذف و به جای آنها نشانه (،) گذاشته می‌شود؛ مانند: نگارش بی‌روح و غیر هنرمندانه بی‌تأثیر، یکنواخت، کسالت‌آور، دلگیر و ناپسند است.  
 ۲- پیش از جمله‌ها و عبارت‌هایی که شرح و تفسیر جمله‌ها و عبارت‌های پیشین باشند، گذاشته می‌شود؛ مانند: ابومسلم خراسانی، که مردی دلیر و وطن‌دوست بود، همواره اندیشهٔ آزادی و استقلال خراسان را به سر می‌پرورانید.

۳- هرگاه جمله‌یی با یکی از واژه‌های بلی، نه، نی، خیر، درست و امثال این‌ها آغاز شود؛ پس از آن کلمه کامه و در پی آن بقیه جمله نوشته می‌شود؛ مانند:

بلی، من اشعار او را خواندم.

نی، ناسنجیده نباید عمل کرد.

اما اگر این واژه‌ها تنها بیایند؛ پس از آنها نقطه گذاشته می‌شود؛ مانند: داستان را خواندی؟

بلی.

۴- برای جداکردن کلمه‌های خطاب از جمله استعمال می‌شود؛ مانند: دوست عزیزم، از دیدنت بسیار خوش شدم.

۵- هر گاه برای یک موصوف صفات متعددی را بیاوریم، بعد از هر صفت یک کلمه می‌گذاریم، و قبل از صفت آخرین (و) عطف می‌نویسیم؛ مانند: رابعه بلخی زنی شاعر و عارف بود.



دکتور عبدالاحمد جاوید از نویسندگان و دانشمندان دههٔ اخیر کشور ماست. او در سال ۱۳۰۴ هـ ش. در کابل متولد و در سال ۱۳۲۴ هـ ش. از لیسهٔ عالی حبیبیه فارغ شد. وی در سال ۱۳۲۹ از دانشکده یا پوهنخی زبان و ادبیات و حقوق دانشگاه (پوهنتون) تهران موفق به اخذ سند لیسانس گردید.

جاوید مدت طولانی را به حیث استاد و رئیس انتخابی دانشگاه یا پوهنتون کابل، عضو اکادمی علوم افغانستان ایفای وظیفه نموده است و با نشریات رادیو افغانستان و تألیف کتب درسی وزارت معارف نیز همکاری داشت و مدال‌های ارزنده‌یی را به دست آورده او علاوه بر نگارش مقالات گوناگون علمی و تحقیقی و نشر آن در مجلات علمی کشور و ممالک همسایه و کشورهای اروپایی به تألیف کتب متعدد علمی و ادبی پرداخت که شماری از آن؛ چون، اوستا، نوروز خوش‌آیین، رایحهٔ صلح در فرهنگ ما و مدارا و مروت در فرهنگ فارسی دری چاپ شده است.

سرانجام او در اسد ۱۳۸۱ هـ ش. در شهر لندن وفات یافت و در شهدای صالحین کابل به خاک سپرده شد.



### ◆ فعالیت اول

- پوهاند جاوید کدام کتاب‌های علمی و ادبی را تألیف نموده؟ نام ببرید.
- وظایف عمده جاوید کدام‌ها است و کدام مدال‌ها را به دست آورده است؟
  - استاد جاوید به کدام کشورها سفر کرده و آثار علمی وی چه نام دارد؟
  - نوروز در قدیم چگونه در کابل برگزار می‌شد؟
  - در مورد استعمال کامه و موارد آن در گروه‌های خود بحث کنید و نماینده هر گروه نتیجه را در مقابل صنف بیان کند.

### ◆ فعالیت دوم

- متن درس را بخوانید و فشرده آنرا در چهار سطر بنویسید.
- کدام کلمه در نمونه نثر دکتور جاوید زیاد به کار رفته است؟
- پنج جمله زیبا از متن انتخاب و در کتابچه‌های خود بنویسید.
- قاعده سوم کامه را با چند مثال خارج از درس بنویسید.
- چطور می‌توان یک نویسنده و دانشمند خوب شد؟
- پیام اصلی درس چیست؟



یک مطلب بنویسید که هر پنج قاعده نگارش کامه در آن مراعات شده باشد.



## داستان کوتاه چیست؟



در این درس تاریخچه مختصر، عناصر اساسی و ویژه‌گی‌های داستان کوتاه را می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با داستان کوتاه و قواعد نگارشی از جمله «علامت سیمیکولن» در متن درس است.

داستان کوتاه چیست؟

داستان کوتاه بیان رویداد واقعی و یا تخیلی را گویند که نویسنده با طرح منظم، شخصیت اصلی و محوری را در یک واقعه چنان تصویر می‌کند که تأثیری بر خواننده وارد می‌سازد و یا، داستانی است که کوتاه باشد و در ظرف نیم تا دو ساعت خوانده شود.

داستان کوتاه به مفهوم امروزی آن که معادل short story انگلیسی و Nouvelle فرانسوی است در اوایل قرن نوزدهم میلادی، تقریباً همزمان در امریکا، فرانسه و روسیه پدید آمد. نخستین کسی که به صورت جدی به این نوع ادبی پرداخت و نظریاتی را در این باره ارائه کرد؛ ادگار آلن پو، شاعر و داستان‌نویس امریکایی (۱۸۰۹ - ۱۸۴۹) میلادی بود که او را پدر داستان کوتاه می‌نامند؛ همچنین: گوگول و چخوف روسی، گی دو ما پاسان فرانسوی، عزیز نسین ترکی از جمله داستان‌نویسان مشهور جهان اند که در افغانستان می‌توان از دکتور محمد اکرم عثمان، جلال نورانی، باباکوهی، سپوژمی زریاب و دیگران نام برد که آثاری در این نوع ادبی نگاشته‌اند. داستان کوتاه دارای سه رکن می‌باشد: شرح، گسترش و نتیجه که اغلب با نقطهٔ اوج<sup>۱</sup> شروع می‌شود و با درونمایهٔ ویژه<sup>۲</sup> خود در آخر به گره‌گشایی<sup>۳</sup> می‌انجامد. اصولاً مقدمه‌چینی ندارد و تقریباً از ابهام خالی است و به سرعت به گره‌گشایی منتهی می‌شود.

داستان کوتاه به جای پرداختن به تمام زنده‌گی، بخشی از آن موضوع کار داستان‌نویس است. داستان کوتاه باید دارای ویژه‌گی‌های زیر باشد:

- کوتاه باشد.
- پیرنگ<sup>۴</sup> منظم و منسجم داشته باشد.
- فقط به یک موضوع بپردازد.
- یک واقعهٔ بزرگ مرکزی داشته باشد که وقایع دیگر برای تکمیل آن بیایند.
- زبان وقایع یکی نباشد.
- شخصیت‌هایش محدود باشد؛ ولی یک شخصیت اصلی داشته باشد.
- غالباً شخصیتی با شخصیت دیگر یا خود یا با فکر و اندیشه‌یی درگیر است.
- کامل باشد (از نظر خواننده).



-آغاز، میانه و پایان داشته باشد.  
اصولاً ارزش داستان کوتاه در پیام‌رسانی، همدردی و انتقاد سخت از جامعه نهفته است.



۱. لحظه‌یی است که بحران به نهایت رویارویی و تعارض خود، به گره‌گشایی منجر شود.
۲. فکر حاکم بر داستان.
۳. سرآمدن وضعیت و موقعیت پیچیده یا نتیجه نهایی رشته حوادث است و نتیجه‌گشودن رازها و معماها و برطرف شدن سوءتفاهمات می‌باشد.
۴. الگوی حادثه داستان است و از حوادث و رویدادهای به هم پیوسته ساخته می‌شود که داستان را از کشمکش به نتیجه می‌رساند.



◆ سیمیکولن (؛)

سیمیکولن (؛) نشانهٔ وقف یا درنگ و مکثی است طولانی‌تر از کامه (،) و کمتر از نقطه و بیشتر در موارد زیر به کار می‌رود:

برای جدا کردن عبارتهای مختلف یک جملهٔ طولانی که به ظاهر مستقل در معنا با یکدیگر وابسته و مربوط باشد؛ مانند:

مشک آن است که خود بوید؛ نه آن که عطار گوید.  
دوست واقعی آن است که یاد شاطر باشد؛ نه یاد خاطر.

در جمله‌های توضیحی، بیش از کلمه‌ها و یا عباراتی چون «اما»، «زیرا»، «چرا که»، «یعنی»، «به عبارت دیگر»، «برای مثال» و مانند آنها؛ به شرط آنکه جمله‌های پیش از آنها کامل و غالباً طولانی باشد؛ برای نمونه:

مال و جاه هیچ‌گاه نمی‌توانند آرامش‌بخش روان انسان باشند؛ چرا که تنها با یاد خداوند (ج) دل‌ها آرامش می‌یابند.

داستان کوتاه، داستانی است که نویسنده با خلاقیت و قوهٔ خیال خود آنرا می‌سازد و در مدت کوتاهی خوانده می‌شود. داستان کوتاه دارای آغاز، میانه و پایان است؛ همچنین پیرنگ، نقطهٔ اوج و گره‌گشایی دارد. شخصیت‌هایش محدود است و تنها بخشی از زنده‌گی را موضوع قرار می‌دهد و ارزشش در پیام انسانی آن نهفته است.



### ♦ فعالیت اول

- کدام یک از نویسندگان زیر صاحب داستان کوتاه می‌باشند:
  - الف) ویکتور هوگو
  - ب) ادگار آلن پو
  - ج) باباکوهی
  - د) گزینه ب و ج
- داستان کوتاه به کدام داستان گفته می‌شود؟
- داستان کوتاه دارای کدام ویژه‌گی‌هاست؟ توضیح دهید.
- در جاهای مناسب جمله‌های زیر علامت سیمیکولن را اضافه کنید:
  - احمق را ستایش خوش آید چون بشنود احمق تر شود.
  - دوست واقعی آن است که یاد شاطر باشد نه یاد خاطر.
  - عمر سیب را خیلی خوش دارد؛ زیرا بوی خوش و طعم لذیذ دارد.
- پیرنگ چیست و در داستان کوتاه چه نقشی دارد؟

### ♦ فعالیت دوم

- متن درس را بخوانید و کلمه‌های جدید و مشکل را در کتابچه‌هایتان رونویس کنید.
- به صورت گروهی در مورد مفهوم متن درس با هم بحث کنید.
- نام چند داستان نویس را که در متن خوانده اید بنویسید.
- در افغانستان کدام شخصیت‌ها به نوشتن داستان کوتاه مشهور اند؟
- داستان کوتاه دارای چند رکن است؟
  - الف) پنج رکن
  - ب) دو رکن
  - ج) سه رکن
  - د) هیچکدام
- چرا اکثر داستان‌ها هیجان انگیز می‌باشند؟

یک داستان کوتاه را از پدر و مادر و یا با استفاده از کتاب و مجله در کتابچه‌هایتان بنویسید و آن را بخوانید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....





## ورزش و فواید آن



در این درس اهمیت و فواید ورزش را در سلامتی، طراوت و شادابی جسم و بدن می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی به ورزش و قواعد نگارشی از جمله «علامت شارحه» در متن درس است.

ورزش در سلامتی انسان چه نقش دارد؟

تنِ زنده والا به ورزشنده گی است  
که ورزش گرای<sup>۱</sup> و سرافراز باش  
که ورزش میاسای<sup>۲</sup> و کوشنده باش  
که ورزشنده گی مایه زنده گی است  
که فرجام سستی سرافکنده گی است  
که بنیاد گیتی به کوشنده گی است  
(از محمد تقی بهار)

در دوره‌های پیشین و اعصار گذشته بیشتر کارها به نیروی دست و پا صورت می‌گرفت و از این رو مردم خود به خود و به طور طبیعی ورزش می‌کردند. بیشتر پیشه‌ها؛ مانند: آهنگری، نجاری، قلبه کردن زمین و غیره با جنب و جوش و کوشش دست‌ها و تن همراه بود. سفرهای بین شهرها پیاده یا سواره صورت می‌گرفت که به ذات خود یک ورزش بود ولی امروز همه کارهای سنگین با ماشین انجام می‌گیرد و این ماشین‌ها جای نیروی بازوان کارگران و پیشه‌وران را گرفته است. و می‌بینیم کمتر کسی است که کارش با حرکات بدن و ورزش طبیعی همراه است؛ بنابراین باید با تمرین‌های پی‌درپی ورزشی جسم خود را نیرو دهیم، تا در برابر سختی‌های زنده‌گی پایداری نموده و بر آنها چیره شویم.

ورزش تن را سالم و نیرومند می‌کند، به جان طراوت و شادابی می‌بخشد، مراحل لخته شدن خون را به تأخیر می‌اندازد، خطر ابتلا به دیابت را کاهش می‌دهد، قدرت حافظه را زیاد می‌کند، باعث رفع خسته‌گی و کسالت می‌شود. خون سریعتر در بدن دوران می‌کند و به ماهیچه‌ها بیشتر روی می‌آورد و از سوی دیگر با ورزش کردن مسلسل؛ بدن بیشتر عرق می‌کند و چیزهای مضر را از بدن بیرون می‌ریزد، تنفس تندتر می‌شود و اکسیجن بیشتر به شش‌ها می‌رسد.

فایده ورزش تنها نیرو بخشیدن به تن؛ تفریح و سرگرمی نیست؛ بلکه ورزش‌های گروهی راه و رسم زنده‌گی و سازگاری با مردم و تعاون را به ورزش‌کاران می‌آموزد. مسابقه‌های ورزشی بهترین راه برای دوستی میان ملت‌هاست.

پس از دانستن این همه فواید ورزش بیایید که آنرا جزء برنامه‌های زنده‌گی خویش قرار دهیم، تا یک زنده‌گی با سعادت و مسرور داشته باشیم؛ به طور مثال: ساده‌ترین



ورزش‌هایی که همه می‌توانیم آن را اجرا نماییم عبارت است از فوتبال، والیبال، باسکتبال، دوش و پیاده روی است.

پیاده روی تند با سرعت ۳ تا ۴ کیلومتر در ساعت، فرد را شاداب و پر انرژی کرده و نقش حیاتی را در ایجاد یک زنده‌گی بدون بیماری ایفا می‌کند.



۱. گراییدن

۲. آسودن

۳. محمد تقی بهار (ملک‌الشعرا) شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه (پوهنتون) (۱۳۳۰-۱۲۶۶) ه.ش. از شاعران بزرگ معاصر ایران است. وی مسایل سیاسی و موضوعات مربوط به زمان خویش را نیز در بعضی شعرهای خود آورده است. مهم‌ترین اثر او «سبک شناسی» است.





♦ شارحه یا دو نقطه سر به سر (:)

این نشانه را که در مطابِع ما به نام (دو نقطهٔ سر به سر) یاد می‌کنند، در موارد ذیل به کار می‌رود:

در مورد نقل قول مستقیم دیگران پیش از قوس کوچک استعمال می‌شود؛ مانند:

او گفت: «ما هم غنیمتیم و شما هم غنیمتید.»

برای شرح و تفصیل یک مطلب در جمله نوشته می‌شود؛ مانند:

درس‌هایی را که تا حال خوانده‌ایم عبارتند از: حمد، دعای مادر، بشردوستی، اسراف، کمپیوتر و... است.

پس از کلمه‌هایی مانند: چون، به حیث مثال، به گونهٔ، نمونه و... که به دنبال آنها مثال ذکر شود، گذاشته می‌شود؛ مانند:

بیشتر پیشه‌ها؛ مانند: آهنگری، نجاری، قلبه زمین و غیره با جنب و جوش و کوشش دست‌ها و تن همراه بود.

پس از عنوان‌های کوچک کنار صفحه که سطر به ادامه آن نوشته شود، به کار می‌رود؛ مانند: انواع (ه) در زبان دری: (ه) در زبان دری دو نوع است:

۱. های ملفوظ:

۲. های غیر ملفوظ:



در گذشته بیشتر مشاغل با فعالیت‌های بدنی همراه بود؛ بنابراین افراد نیاز نداشتند که برای فعالیت و تحرک، زمانی را برای ورزش کردن اختصاص دهند؛ اما امروز با پیشرفت تکنولوژی کارها راحت‌تر شده و نیاز به فعالیت جسمی ندارد؛ پس باید با تمرین‌های پی در پی ورزشی، جسم خود را نیرو دهیم تا در برابر سختی‌های زنده‌گی ایستاده‌گی نماییم. ورزش فواید زیادی را برای سلامتی جسم ما به بار می‌آورد. علاوه بر نیرو بخشیدن به بدن باعث سازگاری و دوستی میان ملت‌ها می‌شود.

### ◆ فعالیت اول

- پیام متن درس چیست؟
- ورزش کردن در زنده‌گی روزانه ما چه اهمیت دارد؟
- در مورد این جمله گفتگو کنید: «عقل سلیم در بدن سالم است».
- از میان جمله‌های زیر، جمله درست آنرا انتخاب و مقابل آن علامت (✓) بگذارید:  
ورزش تن و روح را نیرومند نمی‌سازد.  
ورزش باعث خسته‌گی و کسالت انسان می‌شود.  
ورزش به جان طراوت و شادابی می‌بخشد.
- در مورد استعمال شارحه در گروه‌ها با هم بحث کنید.
- در مورد مفهوم بیت زیر محمد تقی بهار با هم مباحثه کنید.  
ز ورزش میاسای و کوشنده باش      که بنیاد گیتی به کوشنده‌گی است

## ◆ فعالیت دوم

- به صورت گروهی در مورد فواید ورزش صحبت نمایید.
- در زمانه‌های قدیم مردم چگونه ورزش می‌کردند؟ در دو سطر بنویسید.
- در جمله‌های زیر یکی آن درست است، مقابل آن علامت (✓) بگذارید:  
شارحه برای جداکردن کلمه‌های مترادف به کار می‌رود.  
شارحه چند جمله معترضه را با هم ربط می‌دهد.  
شارحه در مورد نقل قول مستقیم دیگران پیش از قوس کوچک استعمال می‌شود.
- آیا ورزش یک تفریح و سرگرمی است؟ در چند سطر بنویسید.
- از درس ورزش چه آموختید؟ بیان کنید.
- آیا ورزش کردن برای همه ضروری است؟ توضیح دهید.



به نظرتان بهترین ورزش کدام است؟ در مورد آن پنج سطر بنویسید که علامت شارحه در آن به کار رفته باشد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



## مواد مخدر



ای که خودت را می‌سوزی! و می‌خواهی زنده‌گی خود، خانواده و کشور خود را به آتش بکشی. آیا هیچ می‌دانی زنده‌گی چه زیباست؟ پس چطور روا می‌داری این همه زیبایی‌ها را به آتش بکشی؟

مواد مخدر خطرناک‌ترین دشمن روح و روان و صحت و سلامت انسان است. در این درس علاوه بر زیان‌های خطرناک و مرگبار آن، در مورد صدها مشکل صحتی، اجتماعی و اقتصادی آن مطالب مفیدی را می‌آموزیم. هدف ما آشنایی با اضرار مواد مخدر و قواعد نگارشی از جمله «علامت سؤالیه» در متن درس است. فرق میان یک فرد ورزشکار با یک فرد معتاد چیست؟

مواد مخدر عبارت از مواد نشئه‌آوری است؛ که مصرف آن فعالیت‌های سیستم اعصاب مرکزی را تغییر می‌دهد. در صورت استعمال مکرر، اعتیاد روانی و بدنی را سبب می‌گردد. مواد مخدر به صورت طبیعی هم وجود دارد؛ مانند: تریاک که از بوتهٔ خشخاش به دست می‌آید و هم به طور مصنوعی و کیمیاوی در لابراتوارها ساخته می‌شود؛ مانند: هیرویین، مورفین، کوکائین، کودین و غیره؛ برخی از این مواد ارزش استفادهٔ طبی دارند و در ساختن دواها فیصدی کمی از آنها استفاده می‌گردد که مصرف بیش از ضرورت آن و یا بدون تجویز داکتر، خطرات جدی و زیان‌آوری را به دنبال دارد.

استعمال مواد مخدر مخصوصاً از طریق پیچکاری به صحت انسان بسیار مضر است. علاوه بر زیان‌های جدی و خطرناک صحی؛ چون: ابتلا به امراض مزمن و کشنده از جمله انواع مختلف سرطان‌ها، سکت‌های قلبی و زردی، مشکلات بی‌شمار اجتماعی و اقتصادی از قبیل: سرقت، فقر، گدایی و تباهی، سرمایه‌های بزرگ مادی و بشری را نیز به دنبال دارد.

آیا می‌دانید که دین مقدس اسلام در این مورد چه فرموده است؟  
دین مقدس اسلام، استعمال مواد مخدر را به خاطر اینکه به صحت و سلامت انسان ضرر می‌رساند و جامعه را به طرف انحطاط اخلاقی می‌کشاند؛ منع قرار داده است.  
اشخاصی که مواد مخدر مصرف می‌نمایند و استعمال آن به عادت همیشه‌گی و وابسته‌گی جسمی و روانی آنها مبدل شده است؛ معتاد نامیده می‌شوند.

در وطن عزیز ما افغانستان بدبختانه یک تعداد اشخاص معتاد که بیشتر آنان را جوانان بین سنین ۱۵-۳۵ تشکیل می‌دهد؛ وجود دارند که مردم آنها را به نام هیرویینی (پودری) می‌خوانند. اشخاص پودری، از جامعه منزوی شده و خیلی منفور و بی‌قدر اند. مردم با آنها به حیث یک مجرم برخورد می‌نمایند؛ زیرا آنها را دشمنان جسم و جان خود و بار دوش جامعه می‌دانند؛ اما در حقیقت معتادان مواد مخدر افرادی اند که بنابر مشکلات روانی، عدم آگاهی از اضرار مواد مخدر، همنشینی با اشخاص بی‌بند و بار و محرومیت‌های اجتماعی و

اقتصادی، ناخواسته به دام این هیولا افتاده اند.

این مسئولیت همه‌افراد جامعه، دولت و مؤسسات غیر دولتی است تا در رفع این مشکل دست به دست هم داده و در نجات معتادان درحد امکان همکاری و آنها را رهنمایی نمایند.

چگونه می‌توان یک شخص معتاد را تداوی کرد؟

نکته اساسی و مهم در تداوی فرد معتاد اینست که با وی به حیث یک شخص مریض و یک عضو جامعه که محتاج کمک است، رفتار شود، نه به حیث یک مجرم، خاطی و گنهکاری که مستوجب مجازات باشد؛ اگر فرد معتاد به خاطر آماده شدن به تداوی و ترک مواد مخدر تشویق نشود و با او روش خصمانه و یا عدم همکاری صورت بگیرد؛ بدون شک که موصوف هیچگاه حاضر به ترک اعتیاد نخواهد شد.



◆ سؤالیه پرسش یا نشانه استفهام (؟)

پس از جمله‌هایی که شکل پرسش مستقیم را داشته باشد، نوشته می‌شود؛  
مانند جمله‌های زیر:

چگونه می‌توان یک شخص معتاد را تداوی کرد؟

معتاد به چه کسی گفته می‌شود؟

مصرف مواد مخدر انسان را به کدام امراض مبتلا می‌سازد؟

آیا می‌دانید که دین مقدس اسلام در این مورد چه فرموده؟

شما امروز کجا بودید؟

چرا به وقت معین به مکتب نیامدی؟

مواد مخدر عبارت از مواد نشئه‌آوری است که مصرف آن سبب کندی فعالیت‌های سیستم اعصاب مرکزی می‌گردد، استفاده از مواد مخدر باعث امراض مزمن و کشنده‌یی؛ چون: انواع مختلف سرطان‌ها، سکت‌های قلبی، زردی و مشکلات بی‌شمار اقتصادی از قبیل: سرقت، فقر، گدایی، تباهی و غیره می‌شود. نکته اساسی و مهم در تداوی فرد معتاد اینست که با وی به حیث یک شخص مریض و یک عضو جامعه که محتاج کمک است رفتار شود. نه به حیث یک مجرم، خاطی و گنهکاری که مستوجب مجازات باشد.







### ◆ فعالیت اول

- استعمال مواد مخدر چه زیان‌هایی را در پی دارد؟
- یک تن از هر گروه، ضررهای مواد مخدر را با زبان ساده بیان کند.
- دو تن از هر گروه علامت سؤالیه را با مثال واضح سازند.
- فکر کنید و بگویید که پیام اساسی این درس چیست؟

### ◆ فعالیت دوم

- کلمه‌های جدید متن درس را یادداشت کنید.
- از هر گروه یک شاگرد متن درس را با صدای بلند بخوانید.
- دو جمله بنویسید که در آن علامت سؤالیه به کار رفته باشد.
- برای کلمه‌های زیر جمله بسازید:

مواد مخدر

ضرر

معتاد

صحت

- جاهای خالی زیر را تکمیل نمایید:

نکته اساسی و..... در تداوی فرد..... اینست که با وی به حیث یک  
 شخص..... و یک عضو..... که محتاج..... است رفتار شود، نه  
 به حیث یک..... خاطی و گنهگاری که..... مجازات باشد.



برداشت‌تان را از مفهوم درس و تصویرهای زیر در شش سطر در کتابچه‌های خود

بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....



## ماین چیست و چند نوع دارد؟



جنگ، این پدیده شوم و ویرانگر، به جز از تباهی، بربادی و بدبختی چیزی دیگری را در پی ندارد. کشور ما که در اثر جنگ‌های تحمیلی کشتزار ماین‌ها گردیده و سالانه جان صدها تن از مردمان بی‌گناه ما را می‌گیرد و خانواده‌ها را داغدار می‌سازد؛ این درس را اختصاص داده‌ایم تا ماین و انواع آن را بشناسیم. هدف ما آشنایی با ماین‌ها و خطرات آن‌ها و قواعد نگارشی از جمله «علامت نداییه» می‌باشد.

گشت و گذار بی‌جا و بی‌مورد در جاهای ناامن باعث چه می‌شود؟

ماین‌ها اشیای مخصوصی اند که از پلاستیک، چوب و آهن ساخته شده و در بین آنها مواد منفجره جا داده شده است. این سلاح به اثر فشار دست، پا و یا چیز دیگری منفجر می‌گردد؛ هرگاه انسان، حیوان و یا هر چیز دیگری از بالای آن بگذرد یا از بین می‌رود و یا زخمی و معلول می‌شود.

ماین‌ها دارای اشکال، اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف می‌باشند؛ مثلا: گرد و هموار، مانند: توتۀ نل بخاری، رادیوی کوچک که دارای پایه‌های آهنی باشد، توپ، صندوقچه یا بکس چرمی و...

ماین‌ها به منظور مرگ یا معلول ساختن انسان‌ها و از بین بردن وسایط نقلیه ساخته شده‌اند. این سلاح ویرانگر از جنگ جهانی اول به این طرف در جهان به کار گرفته می‌شود.

مهمات منفجر نشده دیگر؛ مانند: راکت‌ها و بمب‌های دستی، مرمی‌های تانک، مرمی‌های مختلف تفنگ‌ها و بمب‌هایی که از طیاره پرتاب می‌شوند؛ نیز برای جان انسان اند که باید از نزدیکی به آنها خودداری شود.

افغانستان از جمله کشورهای است که بیشترین ماین‌ها و مهمات منفجر نشده در آن کشت گردیده است. طبق یک احصائیه در حال حاضر قربانیان ماین‌ها بیشتر از پنجاه نفر در ماه می‌باشد.

شاگردان عزیز،

پس بر ما لازم است، تا از گشت و گذار بی‌جا و بیهوده در هر گوشه و کنار خودداری کنیم. در صورت مقابل شدن با ماین‌ها و مهمات منفجر نشده، باید به افراد مسؤول خبر دهیم تا برای از بین بردن آن اقدام کنند. با این کار اسلامی و بشردوستانه می‌توانیم، زنده‌گی خود، خانواده و بالاخره مردم زجر دیده کشور خود را از بلا و مصیبت نجات دهیم.



◆ نداییه ندا، اعجابیه، خطاب(!)

الف: پس از کلمه‌هایی که در محل ندا باشند، نوشته می‌شود؛ مانند:

خداوندا، مرا در انجام کارهای نیک یاری ده!

شاگردان عزیز، گشت و گذار بیجا و بی‌مورد باعث ندامت و پشیمانی می‌گردد!

ب: اگر کلمه‌ها بیانگر احساسات، عواطف و تأثرات باشد؛ پس از آنها به کار می‌رود؛ مثلاً: واحسرتا، دریغا، وا، آفرین.

واحسرتا، که عمرم به پایان رسید!

دریغا، که او را نادیده رفتم!

وا، چه درخت عجیبی!

آفرین، پسر خوبم!

اگر پس از واژه‌های ندا جمله‌یی بیاید، مانند جمله‌های فوق، نشانه نداییه در پایان جمله گذاشته می‌شود.



ماین‌ها اشیای مخصوصی اند؛ که از پلاستیک، چوب و آهن ساخته شده اند و در بین آن مواد منفجره قرار داده شده است. ماین انواع گوناگون دارد و به منظور مرگ یا معلول ساختن انسان‌ها و از بین بردن وسایط نقلیه ساخته شده اند، مهمات منفجر ناشده؛ مانند: راکت‌ها، بمب‌های دستی، مرمی‌های تانک، مرمی‌های مختلف تفنگ و بمب‌هایی که از طیاره پرتاب می‌شوند؛ نیز بلای جان انسان‌ها اند.

افغانستان از جمله کشورهای است؛ که بیشترین ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده در آن کشت گردیده؛ پس بر ما لازم است تا از گشت و گذار بیجا خودداری کنیم و در محو و نابودی آنها به حوزه‌های امنیتی خبر دهیم.

### ◆ فعالیت اول

- ماین‌ها از کدام اشیای زیر ساخته می‌شوند؟
  - (الف) آهن
  - (ب) پلاستیک
  - (ج) چوب
  - (د) هر سه
- اگر به مهمات منفجر ناشده نزدیک شویم و یا به آنها دست بزنیم، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟
- یک تن از هر گروه برداشت خود را از مفهوم درس به دیگران بیان کند.

## ◆ فعالیت دوم

- سه تن از هر گروه متن درس را با صدای بلند بخوانید و کلمه‌ها را درست تلفظ کنید.
- یک تن از هر گروه جای گذاشتن نشانه نداییه را روی تخته واضح سازد.
- گروه‌ها از متن درس سه پرسش تهیه نمایند، سپس یک گروه از گروه دیگر پرسش‌های تهیه شده خود را بپرسند. مورد تشویق قرار گیرند.
- کلمه‌های زیر را در جمله به کار ببرید:

۱. منفجر

۲. ماین

۳. معلول

۴. احصائیه

۵. جنگ







تصویرهای زیر را با دقت ببینید و در مورد جنگ و صلح در شش سطر یک مقاله

بنویسید.





## صلح و امنیت



صلح و امنیت یگانه آرزوی ملت غیور و شهیدپرور سرزمین شجاعت‌پرور ما است که مردم ما در تأمین و برقراری آن لحظه شماری می‌کنند. این درس به صورت محاوره (دیالوگ) تهیه گردیده که از مفهوم و محتوای آن مطالب خوبی را می‌آموزیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی به زنده‌گی صلح‌آمیز و قواعد نگارشی از جمله «علامت فاصله» در متن درس است. صلح و امنیت پیشبرد درس و تحصیل ما چه نقش دارد؟

فرزانه همراه با خانواده‌اش در یکی از قریه‌های دور دست زنده‌گی می‌کند. وی در صنف هفتم مکتب درس می‌خواند و از جمله شاگردان ممتاز مکتب نیز است.

در یکی از روزها فرزانه از پدرش می‌پرسد:

پدرجان! صلح چیست؟

پدرش گفت: دخترم، صلح حالتی است؛ که بر اثر پایان یافتن ناآرامی و جنگ به صورت دایم یا موقت در یک منطقه یا سرزمین پدید می‌آید. از جانب دیگر، صلح یعنی دوستی، آشتی و صفا.

- فرق میان جنگ و صلح چیست؟

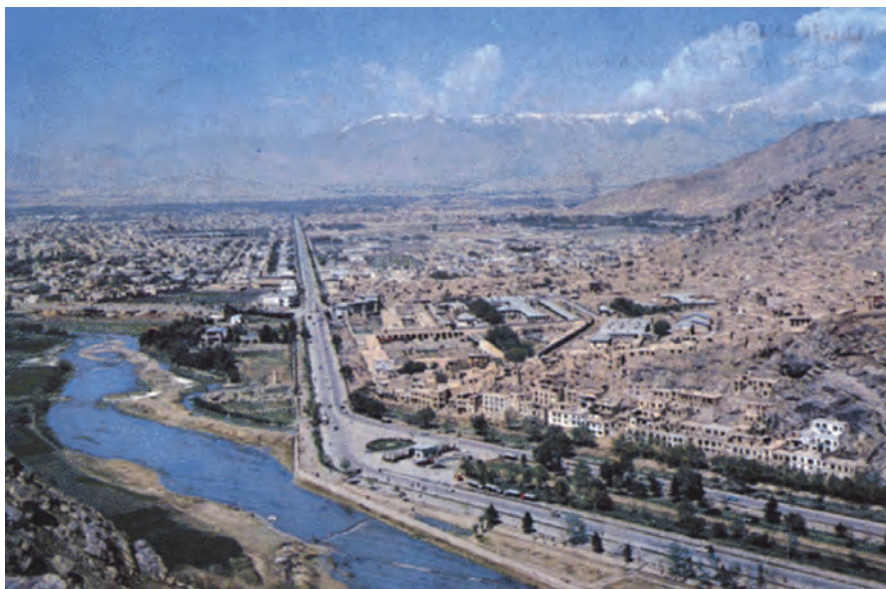
- جنگ یک پدیده شوم است که حاصل آن بدبختی، ویرانگری، تباهی و کشت و خون می‌باشد؛ ولی صلح یک پدیده سبز و خرم است که عشق و زیبایی، مهر و محبت، صفا و صمیمیت، آبادی و عمران، رفاه و آسایش، شرایط مناسب برای درس و تحصیل را به بار می‌آورد.

- چطور می‌توانیم که جنگ و نفاق را از بین ببریم؟

- ما زمانی می‌توانیم از جنگ و نفاق رهایی یابیم که اصلاح را از خود شروع کنیم؛ یعنی تا انسان خود را اصلاح نکند؛ هیچ‌گاه نمی‌تواند دیگری را رهنمایی کند. ما باید در خانه، مکتب، کوچه و محله خویش همه با هم دوست و رفیق و برادر و خواهر باشیم. از تعصبات قومی، نژادی و زبانی دوری کنیم و نگذاریم که دوستی و صمیمیت ما قربانی خواسته‌های غیرانسانی و غیراسلامی انسان‌های فرصت‌طلب و جنگ‌انداز گردد.

بر ما لازم است، تا برای آرامش و آسایش خود، خانواده و مردم خویش و جلوگیری از تباهی و بربادی وطن خود، در برقراری صلح و امنیت، بسیار توجه کنیم و اهمیت آن را برجسته سازیم؛ بهترین راه تبلیغ برای برقراری صلح و امنیت رادیوها، تلویزیون‌ها، جراید و همچنین مساجد است؛ که برای آگاهی اذهان مردم بسیار مؤثر است. این یگانه راه رسیدن به زنده‌گی آرام، درس و تحصیل بهتر و ترقی و پیشرفت جامعه می‌باشد. صلح و امنیت فقط با برادری و برابری و گذشت و بردباری امکان پذیر است.

پدرجان! از اینکه مرا در روشنی کامل قرار دادی و معلومات بسیار مفید و سودمند در زمینه صلح و امنیت ارائه کردی، از احساسات انسان دوستانه ات قدردانی کرده تشکر می‌کنم و از بارگاه پروردگار عالمیان برای ملت رنج دیده‌ام آرزوی آرامش، سرفرازی و برادری را دارم.



### ◆ خط دش یا فاصله [-] Dash

الف: به منظور توضیح یک عبارت نوشته می‌شود؛ مانند: ناصر خسرو، شاعر مبارز و دانشمند زبان دری - در سال ۴۸۱ هـ. ق. زنده‌گی را پدرود گفت.  
ب: به منظور جلوگیری از تکرار اسم در یک دیالوگ (محواره) نوشته می‌شود؛ مانند:

فرزانه - فرق میان جنگ و صلح چیست؟

پدر - جنگ یک پدیده شوم است که حاصل آن بدبختی و... ولی صلح یک پدیده سبز و خرم است، که عشق و زیبایی، مهر و محبت و... به بار می‌آورد.  
- چطور می‌توانیم که جنگ و نفاق را از بین ببریم؟

در هر منطقه یا سرزمینی که جنگ به صورت موقت و یا دائم پایان یابد، صلح برقرار می‌گردد. به عبارت دیگر صلح، یعنی دوستی، آشتی و صفا. جنگ یک پدیده شوم است که ویرانگری و تباهی را در قبال دارد و کشور ما که مدت طولانی دست خوش جنگ‌های تحمیلی ویرانگر بود، امروز سخت تشنه صلح است. برقراری صلح به همبسته‌گی و اتحاد ما نیاز شدید دارد، تا دست به دست هم داده، کشور و ملت خود را آباد و سرافراز سازیم.





### ◆ فعالیت اول

- فرزانه از پدرش چه پرسید؟
- حاصل زنده‌گی صلح‌آمیز چه چیزهایی است؟
- بهترین راه تبلیغ برای روشن شدن اذهان مردم در زمینه صلح و امنیت کدام است؟
- یک شاگرد در مورد بدبختی‌های جنگ صحبت کند.
- علامت دش یا فاصله را در متن درس مشخص کنید.

### ◆ فعالیت دوم

- گروه‌ها متن درس را با یکدیگر محاوره نمایند؛ طوری که یک گروه نقش شاگرد و گروه دیگر نقش معلم را تمثیل کنند.

- کلمه‌های جدید درس را روی تخته معنی کنید.

با کلمه‌های زیر جمله بسازید:

..... ۱. صلح

..... ۲. جنگ

..... ۳. آسایش

..... ۴. بدبختی



### کارخانه‌گی



تصویر زیر را به دقت ببینید و در مورد زیبایی‌های صلح و امنیت پنج جمله زیبا

بنویسید:



## واژه‌نامه

### درس پنجم

- گوهرزا: سنگ قیمتی.
- چیره: غالب، پیروز
- ستادم: استاد شدم
- فیض: برکت
- مقصود: هدف، قصد.
- فرط: بسیار زیاد.
- سپید: سفید.
- میرید: ارادت‌مند، کسیکه پیرو پیری شود و از او آداب طریقت بیاموزد.

### درس ششم

- وارسته: آزاده
- تعلیم: آموختن علم.
- تعلیم: آموختاندن علم.
- طبع: سرشت، خوی.

### درس هفتم

- ابعاد: جمع بُعد، دوره
- مروج: رواج دهنده
- زُهد: پرهیزگاری، پارسا شدن.
- مداح: ستایشگر.
- شیوا: سخن روشن و آشکار
- عرفان: خدانشناسی.

### درس هشتم

- متنفر: منزجر، بیزار شونده
- مدال: نشانی که از طرف دولت یا مؤسسه‌یی به پاداش کار علمی، ادبی، صنعتی و یا خدمات دیگر به کسی یا گروهی داده می‌شود.
- ار: مخفف اگر.
- آزمون: امتحان.

### درس نهم

- اثاثه خانه: اسباب و لوازم خانه.

### درس اول

- ۱- مونس: همدم
- ۲- کارگشا: آسان کننده کار
- ۳- کوتاه: کوتاه.
- ۴- کفایت: کافی بودن، بس بودن.
- ۵- جستن: جستجو کردن.

### درس دوم

- طفیل: مهمان ناخوانده.
- مهین: بزرگترین، بزرگ.
- معطر: عطر آگین، خوشبو.
- عرش: تخت، مقام بالا
- کرسی: فلک هشتم.
- فتوح: جمع فتح، پیروزی‌ها.

### درس سوم

- طبق: ظرف بزرگ
- طعم: مزه.
- زاهد: پرهیزگار
- موجب: سبب.
- ره: راه.
- رستند: آزاد شدن، رها شدن، نجات یافتن.

### درس چهارم

- تبارز: ظاهر شدن، آشکار شدن.
- رونما: چیز تازه و نور را به دیگران نشان دادن.
- توسعه: وسعت دادن، گسترش دادن.
- متساوی: برابری، برابر بودن.
- حقه: راست، درست.
- پیکر: تن، اندام، هیكل
- گوهر: خصوصیت و ویژه‌گی ذاتی چیزی یا کسی.
- محنت: رنج.



مبنا: پایه، بنیان.  
متحمل: تحمل کننده، بردبار، بردارنده بار.  
پویا: کوشا.  
متمدن: دارای تمدن و فرهنگ.  
کاین: مخفف که این.

### درس چهاردهم

رسوم: مجموعه آداب و سنن.  
اساطیر: جمع اسطوره، افسانه، قصه.  
خرافات: باورهایی که پایه و اساس درستی ندارند.  
توده: انبوه مردم، عامه خلق.  
مُعَمّا: پوشیده شده که شاعر نامه معشوق و یا چیزی دیگری را در بیت پوشیده بیان کند.  
لغز: شمردن اوصاف چیزی بدون آنکه نام آنرا ببرند، چیستان.  
جرم: تن و جثه جسمی است که بیشتر بر اجسام فلکی اطلاق می شود.  
مزعفر: زعفرانی شده، به رنگ زعفران.

### درس پانزدهم

عدوبت: شیرینی، گوارا بودن.  
شیوا: رسا و روان.  
قلمرو: مملکتی که تحت اداره واحد باشد.

### درس شانزدهم

محضر: حضور، محل حضور.  
مدیحه سرا: شاعری که اشعار مدحی می گوید.  
در مدح و ستایش کسی شعر می گوید.  
تمایل: گرایش، میل و رغبت.  
گرایش: تمایل، میل و رغبت.  
بصر: دیده.

### درس هفدهم

گسترده: وسیع.  
مثابه: مانند، مشابه.

### درس هجدهم

صاحب راز: صاحب اسرار، آنکه از اسرار باخبر است.  
بنوشتمی: می نوشتم.  
هنگامه: شور و غوغا.

### درس دهم

وابسته: مربوط، متعلق.  
اقدس: پاکیزه تر، پاکتر.  
تأمین: امین کردن، امنیت دادن.  
آلوده: ملوث شدن، نجاست.  
کلورین: محلول مکروب کش.

### درس یازدهم

اسراف: زیاده روی در چیزی.  
تلف: از بین بردن، بیهوده صرف کردن.  
بهره مند: مستفید و سود برنده.

### درس دوازدهم و سیزدهم

رقعه: نامه کوچک.  
منطق: سخن گفتن، یا علمی است که ذهن را از خطا و لغزش باز می دارد.  
عروض: فن شناختن و بحرهای اشعار.  
ارشاد: راهنمایی  
خضر: پیامبری که نمی میرد و گویند در بیابان ها به راهنمایی گم شده گان می آید.  
سبزپوش و هر جا می رود سبز می شود.  
ماسوا: ماسوی الله، همه موجودات غیر از خدا همه موجودات.  
جیفه: لاشه، مردار.  
مخلد: جاودان، همیشه گی.  
کیان: هستی، وجود.  
دغدغه: ترس، بیم، تشویش خاطر.  
انکسار: شکست.

وزن: سنجیدن و سرودن شعر مطابق میزان.  
قافیه: آخرین کلمه بیت است به شرط آنکه

### درس نهم

متفکر: کسی که فکر و دقت می‌کند.  
سریعتر: زودتر

### درس بیستم

مطایبات: جمع مطایبه به معنای شوخی‌ها.  
تملق: چاپلوسی.

اطلس: پرنیان، دیبا، پارچه ابریشمی  
دیبا: نوعی پارچه ابریشمین رنگین.

سایل: سؤال کننده، گدا.

مروت: جوانمردی.

افلاس: بیچاره‌گی، فقر.

جهلا: نادانان.

### درس بیست و یکم

افسونگر: جادوگر، ساحر.

طرفه: چیز تازه و شگفت.

شنفت: شنید.

عاطفه: احساس.

تخیل: خیال‌انگیزی.

موزون: دارای وزن.

مقفی: دارای قافیه.

سفت: سوراخ کردن.

### درس بیست و دوم

تمسخر: مسخره کردن.

تعجب: حیرت کردن.

آخر الامر: در آخر، پایان.

سلیم: ساده و گول، سالم، درست.

علیم: دانا، عالم.

صورت: ظاهر، روی، رخسار، پیکر، نقش.

سحاب: ابر.

کیش: دین و آیین.

### درس بیست و سوم

متعدد: مختلف، گوناگون.

وصیت: سفارش، توصیه.

فرح‌بخش: شادی آور، طرب‌زا.

قناری: پرنده‌یی به اندازه گنجشک و

زردرنگ با آوازی دلنشین.

### درس بیست و چهارم

رویداد: واقعه، حادثه

محور: مرکز.

ابهام: مبهم، پیچیده، آنچه زیاد روشن و آشکار نیست.

منتهی: انتها، آخر، پایان.

### درس بیست و پنجم

اعصار: جمع عصر، زمان‌ها.

لخته: بسته، منعقد، دلمه.

افزایش: زیاد.

دیابت: بیماری که در آن قندخون بالا می‌رود.

### درس بیست و ششم

اعتیاد: آنکه بر مواد مخدر عادت کرده.

تجویز: جواز (اجازه)

ابتلا: دچار شدن، گرفتار شدن.

مزمون: دیرینه، مرض دوا مدار.

منزوی: گوشه‌گیر، در انزوا.

منفور: بد، مورد نفرت قرار گرفته.

هیولا: دیو، چیز بد و پلید.

خاطی: خطاکار، گنهکار.

مستوجب: شایسته، در خور، مستحق.

انحطاط: سقوط، پایین آمدن.

### درس بیست و هفتم

معیوب: عیب‌دار، ناقص.

معلول: علیل، بیمار، ناقص.

### درس بیست و هشتم

پدیده: رخداد، حادثه.

خرم: شاد، خندان.

عمران: آبادی.

## فهرست منابع

۱. کاظمی، محمد کاظم، دیوان خلیل الله خلیلی، چاپ اول، انتشارات محمد ابراهیم، تهران، ایران، ۱۳۸۵.
۲. یوسفی، دکتور غلام حسین، چشمه روشن، چاپ اول، تهران، ایران، ۱۳۸۵.
۳. کرمی، احمد، دیوان مخفی، گزیده بهارستان جامی، چاپ اول، مؤسسه کتاب همراه، تهران، ایران، ۱۳۷۵.
۵. سبحانی، دکتور توفیق، مثنوی معنوی، چاپ چهارم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ایران ۱۳۷۹.
۶. گیوی، دکتور حسن احمدی، زبان و نگارش فارسی، چاپ بیست و ششم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ایران، ۱۳۸۶.
۷. خانلری، دکتور پرویز ناتل، دستور زبان فارسی، چاپ بیست و یکم، انتشارات توس تهران، ایران، ۱۳۸۶.
۸. حصاریان، دکتور سید اکرام الدین، غیث الدین غیائی، شاعر وارسته، چاپ اول، انتشارات اکادمی علوم تاجیکستان، ۱۳۸۴.
۹. صادقی، جمال مسیر، قصه، داستان کوتاه، رومان، چاپ اول، انتشارات کمیته دولتی، کابل، افغانستان، ۱۳۶۵.
۱۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید ۳ جلدی، چاپ دوم، انتشارات سپهر، تهران، ایران، ۱۳۶۵.
۱۱. معین، دکتور محمد، فرهنگ فارسی شش جلدی، چاپ پانزدهم، انتشارات سپهر، تهران، ایران، ۱۳۷۹.
۱۲. انوری، دکتور حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ سوم، انتشارات سخن، تهران، ایران، ۱۳۸۶.
۱۳. آریانفر، دکتور شمس الحق، آشنایی با شخصیت‌های کلان افغانستان.
۱۴. اخگر، مطهر شاه، آگاهی از خطرات ماین‌ها، مهمات منفجر نشده و معلولیت، کابل افغانستان، ۱۳۸۷.
۱۵. انوشه، حسن (به سرپرستی)، دانشنامه ادب فارسی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، تهران، ایران، ۱۳۸۷.
۱۶. شریعت، دکتور محمد جواد، دستور زبان فارسی، انتشارات اساطیر، چاپ هفتم، تهران، ایران، ۱۳۷۵.
۱۷. صفا، دکتور ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ سوم، انتشارات فردوس، تهران، ایران، ۱۳۶۶.
۱۸. غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، ج ۱، تهران، ایران، انتشارات طهوری.
۱۹. هاشمی، حمید، زنده‌گینامه شاعران ایران، چاپ اول، انتشارات فرهنگ و قلم، تهران، ایران، ۱۳۸۲.
۲۰. خانلری، دکتور زهرا، فرهنگ ادبیات فارسی، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ایران، ۱۳۸۴.
۲۱. حاکمی، دکتور اسماعیل، بهارستان جامی، چاپ پنجم، انتشارات، تهران، ایران، ۱۳۸۵.
۲۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه ۵۲ جلدی، چاپ سیروس، انتشارات دانشگاه تهران، ایران، ۱۳۳۷.
۲۳. وب سایت: <http://oldarchive.payamemojahed.com>